

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



ترجمہ:

آسادی شیخ حسین انصاری

فهرست

- پیشگفتار..... الف
- مقدمه..... ب
- ۱- ستایش خدای عزوجل..... ۱
- ۲- درود بر محمد و آل محمد..... ۱۱
- ۳- دعا بر حاملان عرش..... ۱۵
- ۴- دعا بر آنان که به پیامبران ایمان آورده‌اند..... ۲۲
- ۵- دعا برای خود و نزدیکانش..... ۲۸
- ۶- دعا به وقت صبح و شام..... ۳۳
- ۷- دعا به وقت مهمات و رنج..... ۴۱
- ۸- دعا در پناه بردن به خداوند..... ۴۴
- ۹- دعا در شوق به آمرزش..... ۴۷
- ۱۰- دعا در پناه بردن به خداوند..... ۵۰
- ۱۱- دعا در عاقبت به خیری..... ۵۲
- ۱۲- دعا در اقرار به گناه..... ۵۴
- ۱۳- دعا در طلب حاجت‌ها..... ۶۱
- ۱۴- دعا در دادخواهی از ستمگران..... ۶۷
- ۱۵- دعا به وقت بیماری..... ۷۲
- ۱۶- دعا در طلب بخشش و آمرزش گناهان..... ۷۵
- ۱۷- دعا هنگامی که نام شیطان برده می‌شد..... ۸۶

- ۱۸- دعا در دفع بلاها و سختی‌ها ۹۲
- ۱۹- دعا به وقت درخواست باران ۹۴
- ۲۰- دعا در مکارم اخلاق ۹۷
- ۲۱- دعا به هنگام محزون شدن از امری ۱۱۳
- ۲۲- دعا در سختی و گرفتاری ۱۲۰
- ۲۳- دعا برای تندرستی ۱۲۸
- ۲۴- دعا برای پدر و مادر ۱۳۳
- ۲۵- دعا برای فرزندان ۱۴۰
- ۲۶- دعا برای همسایگان و دوستان ۱۴۷
- ۲۷- دعا برای مرزداران ۱۵۰
- ۲۸- دعا در ترس از خدا ۱۶۲
- ۲۹- دعا به وقت تنگی رزق ۱۶۵
- ۳۰- دعا برای ادای وام ۱۶۷
- ۳۱- دعا در توبه و بازگشت ۱۷۰
- ۳۲- دعا در نماز شب ۱۸۲
- ۳۳- دعا در درخواست خیر و نیکی ۱۹۵
- ۳۴- دعا به هنگام گرفتاری ۱۹۷
- ۳۵- دعا در رضا به قضای حق ۲۰۰
- ۳۶- دعا به وقت شنیدن رعد ۲۰۲
- ۳۷- دعا در شکر ۲۰۵
- ۳۸- دعا در عذرخواهی از حق ۲۱۱
- ۳۹- دعا در طلب عفو ۲۱۳
- ۴۰- دعا به وقت یاد مرگ ۲۱۹
- ۴۱- دعا در درخواست پرده‌پوشی ۲۲۲
- ۴۲- دعا به وقت ختم قرآن ۲۲۴

-
- ۴۳- دعا به وقت دیدن ماه نو ۲۳۶
- ۴۴- دعا به وقت فرا رسیدن ماه رمضان ۲۳۹
- ۴۵- دعا به هنگام وداع ماه رمضان ۲۴۹
- ۴۶- دعا در روز عید فطر و جمعه ۲۶۹
- ۴۷- دعای حضرت در روز عرفه ۲۷۶
- ۴۸- دعا در روز عید قربان و جمعه ۳۱۴
- ۴۹- دعا در دفع مکر دشمنان ۳۲۷
- ۵۰- دعا در ترس از حق ۳۳۵
- ۵۱- دعا در تضرع و زاری به درگاه حق ۳۳۹
- ۵۲- دعا در اصرار در طلب ۳۴۵
- ۵۳- دعا در فروتنی ۳۵۰
- ۵۴- دعا در رفع اندوهها ۳۵۳

پیشگفتار

قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ

(سوره فرقان آیه ۷۷)

ادعیه، گنجینه‌های عرشی و میراث گران سنگ امامان معصوم علیهم السلام و به تعبیر امام راحل (ره) قرآن صاعدند که معارف حیات‌بخش اسلام عزیز از طریق انس عاشقانه با این چشمه‌سار نور، قابل ادراک است.

کتاب شریف صحیفه سجادیه - که در برگیرنده مناجات‌های امام‌العارفین و سیدالساجدین حضرت علی بن‌الحسین علیهماالسلام می‌باشد - لجه‌ای از این بحر عمیق است که به سالکان طریق هدایت تقدیم می‌شود. مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران با هدف ایجاد هماهنگی میان شیوه نگارش و علامت‌گذاری مصاحف و سایر متون دینی و تسهیل خواندن آن، اقدام به تهیه کتاب شریف «صحیفه سجادیه» با شیوه اعراب‌گذاری آسان (کم‌علامت) نموده است. بهره‌مندی از ترجمه سلیس جناب استاد انصاریان و همچنین صفحه‌بندی چشم‌نواز متن عربی و ترجمه فارسی در قالب قطعی بدیع، از دیگر ویژگی‌های این اثر می‌باشد؛ ضمن آنکه با هدف تسهیل در فهم بهتر معارف این کتاب شریف، علایم ترقیم (نقطه، ویرگول و ...) و همچنین فرازبندی دقیق و مناسبی - متناسب با معنای عبارات - در این چاپ لحاظ شده است. امید آن که این اقدام، گامی مؤثر در جهت ترویج فرهنگ انس با ادعیه مأثوره و آشنایی با معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام باشد.

مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران

مقدمه در بیان اسناد صحیفه سجادیه

حدیث کرد برای ما سید اجل نجم الدین بهاء الشرف، ابوالحسن، محمد بن الحسن فرزند احمد بن علی، فرزند محمد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی - رحمت خدا بر او باد - که گفت: خبر داد ما را شیخ سعید ابوعبدالله محمد بن احمد بن شهریار، خزانه دار آستان ملک پاسبان مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در ماه ربیع الاول از سال ۵۱۶، در حالی که صحیفه بر او خوانده می شد و من مستمع آن بودم، گفت: شنیدم آن را در حالی که خوانده می شد بر شیخ راستگو، ابونصور محمد بن محمد بن احمد بن عبدالعزیز عکبری معدل، - رحمت خدا بر او باد - از ابوالفضل: محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی، گفت: حدیث کرد ما را شریف ابوعبدالله، جعفر بن محمد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: حدیث کرد ما را عبدالله بن عمر بن خطاب زبای در سال ۲۶۵ گفت: حدیث کرد مرا داییم، علی بن نعمان اعلم گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکل ثقفی بلخی، از پدرش متوکل بن هارون گفت: یحیی بن زید بن علی علیه السلام را پس از شهادت پدرش به وقتی که به سوی خراسان می رفت ملاقات کردم و به حضرتش سلام نمودم، به من فرمود: از کجا می آیی؟ عرضه داشتم: از حج، پس مرا از حال اهلش و عموزادگان خویش که در مدینه بودند پرسید و در پرسش از حال جعفر بن محمد علیه السلام مبالغه نمود، پس از حال آن حضرت و احوال ایشان و اندوهشان بر شهادت پدرش زید بن علی علیه السلام به او خبر دادم، یحیی فرمود: عمویم حضرت باقر علیه السلام پدرم را به ترک خروج و شورش سفارش کرد و به او فهماند که در صورت خروج و جدا شدن از مدینه کارش به کجا خواهد کشید، آیا تو پسر عمویم حضرت جعفر بن محمد علیه السلام را ملاقات نمودی؟ گفتم: آری. گفت: آیا درباره من و وضع و کارم شنیدی چیزی بگوید؟ گفتم: آری، گفت: به چه صورت از من یاد فرمود؟ به من بگو، گفتم: فدایت گردم، علاقه ندارم آنچه را از آن حضرت شنیده ام در برابر تو بیان کنم، گفت: آیا مرا از مرگ می ترسانی؟ بگو آنچه شنیده ای، گفتم، از او شنیدم که: تو کشته می شوی و بدنت را به دار می آویزند، چنانکه پدرت کشته و به دار آویخته شد، پس چهره اش تغییر کرد و گفت: «خدایا هر سرنوشتی را خواهد محو می کند و یا ثبت می نماید و ام الکتاب نزد اوست.» ای

متوکل همانا که حضرت حق این دین را به وجود ما تأیید فرموده و دانش و اسلحه را به ما مرحمت کرده و هر دو برای ما فراهم گشته و عموزادگان ما به دانش تنها اختصاص یافته‌اند، گفتم: قربانت گردم، من مردم را مشاهده کردم که به پسر عمویت حضرت صادق مایل‌ترند تا به تو و پدرت، گفت: همانا عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر، مردم را به زندگی دعوت کرده‌اند و ما آنان را به مرگ خوانده‌ایم، گفتم: ای فرزند رسول حق! آیا ایشان دانانترند یا شما، پس مدتی دیده به زمین دوخت سپس سر برداشت و گفت: هر یک از ما از دانش بهره‌ای داریم جز آنکه ایشان هر چه را ما می‌دانیم می‌دانند، ولی ما هر چه ایشان می‌دانند نمی‌دانیم، آنگاه به من گفتم: آیا از پسر عمویم چیزی نوشته‌ای؟ گفت: آری، گفت: به من نشان بده، پس چند نوع دانش را که از آن حضرت ضبط کرده بودم به او عرضه داشتم و داعیی را به او نشان دادم که حضرت صادق علیه السلام بر من املا فرموده بود و حدیث کرده بود که پدرش محمد بن علی علیه السلام بر او املا فرموده بود و خبر داده بود که آن از دعای پدرش علی بن الحسین علیه السلام از دعای صحیفه کامله است، پس یحیی تا پایان آن را نظر کرد و گفت: آیا اجازه می‌دهی که نسخه‌ای از روی آن برداریم؟ گفتم: ای پسر رسول خدا! آیا در آنچه که از خود شماست اجازت می‌خواهی؟ پس گفتم: هم اکنون بر تو ارائه خواهم کرد صحیفه‌ای از دعای کامل را از آنچه پدرم از پدرش حفظ فرموده و مرا به نگاه داشتن و بازداشتن آن از ناهل سفارش فرموده. عمیر گوید: پدرم گفت: پس برخاستم و پیشانی او را بوسیدم و گفتم: به خدا قسم! ای پسر پیامبر خدا که من خدا را با محبت و طاعت شما پرستش می‌کنم و امیدوارم که مرا در حیات و ممات به دوستی شما سعادتمند کند. پس صحیفه‌ای را که به او داده بودم به جوانی که با او بود داد و گفت: این دعا را با خطی روشن و نیکو بنویس و به نظر من برسان که شاید آن را از حفظ نمایم؛ زیرا که من آن را از پسر عمویم جعفر - که در حفظ خدا باد - می‌خواستم و آن را به من نمی‌داد. متوکل گفت: من از کرده خود نادم شدم و نمی‌دانستم چه کنم و حضرت صادق علیه السلام قبل از آن به من دستور نداده بود که آن را به کسی ندهم، پس از آن یحیی جامه دانی را طلبید و صحیفه قفل خورده مهر کرده‌ای را از آن خارج کرد و به مهر آن نظر نمود و بوسید و گریه کرد، سپس مهر را شکست و قفل را باز کرد، آنگاه صحیفه را گشود و بر چشم خود گذاشت و بر روی خود مالید و گفت: به خدا قسم! ای متوکل اگر نبود مطلبی که در رابطه با کشته شدن و به

دار آویختم از پسر عمویم حدیث کردی، بدون شك این صحیفه را به تو می‌دادم و از تسلیمش خودداری می‌نمودم ولی برای من روشن است که گفتار حضرت صادق علیه السلام حق است و آن را از پدرانش گرفته و به زودی صحت آن روشن خواهد شد و من ترسیدم که چنین علمی به دست بنی‌امیه افتد و آن را از دیده‌ها بپوشانند و در خزانه خویش برای خود ذخیره نمایند، پس آن را بگیر و مرا از پریشانی فکر نسبت به آن آسوده کن و این امانت در نزد تو باشد و تو به انتظار بنشین تا چون خداوند در کار من و این قوم حکم خود را جاری سازد، این صحیفه را به دو پسر عمویم محمد و ابراهیم، فرزندان عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام برسان که آن دو نفر پس از من در مسئله قیام بر علیه بنی‌امیه قائم مقام منند. متوکل گفت: من صحیفه را گرفتم و چون یحیی بن زید به شهادت رسید به مدینه رفتم و امام صادق علیه السلام را زیارت کردم و قصه یحیی را برای آن جناب گفتم، آن حضرت گریست و فوق العاده بر یحیی اندوهگین شد و فرمود: خدا عموزاده‌ام را رحمت کند و به پدرانش ملحق سازد، به خدا قسم! ای متوکل مرا از دادن این دعا به او منع نکرد مگر همان سبب که یحیی بر صحیفه پدرش از آن می‌ترسید، اکنون آن صحیفه کجاست؟ گفتم: اینک این همان صحیفه است، پس آن را باز کرد و فرمود: به خدا قسم! این خط عمویم زید و دعای جدم علی بن الحسین علیه السلام است آنگاه به فرزندش فرمود: ای اسماعیل! برخیز و آن دعا را که به حفظ و نگهداریش تو را امر کردم بیاور، پس اسماعیل برخاست و صحیفه‌ای را که انگار همان صحیفه‌ای است که یحیی بن زید به من داده بود بیرون آورد، پس حضرت صادق علیه السلام آن را بوسید و بر چشم خود نهاد و فرمود: این خط پدرم و املائی جدم علیه السلام در حضور من است، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! اگر اجازه دهی آن را با صحیفه زید و یحیی مقابله نمایم، پس اجازه داد و فرمود: تو را برای این عمل شایسته دیدم، پس من آن دو را مقابله کردم و دیدم که هر دو یکی است و حتی در يك حرف هم با یکدیگر اختلاف ندارند، سپس از آن حضرت اجازه طلبیدم که صحیفه یحیی را بنابر وصیتش به عموزادگانش پسران عبدالله بن حسن مسترد دارم، فرمود: «خداوند شما را امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانشان بازگردانید»، آری، آن را به ایشان بده، چون برای زیارت آن دو برخاستم، فرمود: بنشین، سپس کسی را به احضار محمد و ابراهیم فرستاد، چون حاضر شدند، فرمود: این میراث پسرعمویتان یحیی است از پدرش که شما را به جای برادران خود به آن اختصاص داده و ما را در خصوص آن با شما شرطی

است، گفتند: بگوی، خداوند تو را رحمت کند که سخن تو مقبول است، فرمود: این صحیفه را از مدینه خارج نکنید، گفتند: چرا؟ فرمود: پسر عموی شما درباره این صحیفه از برنامه‌های ترس داشت که من راجع به شما به همان گونه ترس دارم، گفتند: او زمانی درباره این صحیفه ترسید که دانست کشته می‌شود، امام صادق علیه السلام فرمود: شما نیز از این واقعه ایمن نباشید؛ زیرا به خدا قسم من می‌دانم که شما به زودی خروج خواهید کرد چنانکه او خروج کرد و به زودی کشته خواهید شد چنانکه او کشته شد. پس از جای برخاستند در حالی که می‌گفتند: لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم. چون از نزد حضرت صادق علیه السلام بیرون رفتند به من فرمود: ای متوکل! چگونه یحیی به تو گفت که عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر مردم را به زندگی دعوت کردند، و ما ایشان را به مرگ؟! گفت: آری - اَصْلَحَكَ اللهُ - عموزادها ت یحیی چنین سخنی به من گفت، فرمود: خدا یحیی را رحمت کند، پدرم مرا از پدرش از جدش از علی علیه السلام حدیث کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حالی که روی منبر بود، خواب سبکی ربود، پس در عالم خواب دید که مردانی چند همانند بوزینگان بر منبرش می‌جهند و مردم را به عقب (دوران جاهلیت) برمی‌گردانند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به حال عادی بازگشت و نشست و اندوه و حزن در چهره‌اش آشکار بود، پس امین وحی این آیه را برای حضرت آورد: «و ما رؤیایی را که در خواب به تو نمایانیدم و شجره ملعونه در قرآن را قرار نداده‌ایم مگر برای آزمایش مردم؛ و مردم را بیم می‌دهیم ولی جز بر سرکشی آنان نمی‌افزاید» و مراد از شجره ملعونه، بنی‌امیه هستند. پیامبر فرمود: ای جبرئیل! آیا ایشان در زمان من خواهند بود؟ گفت: نه، ولی آسیای اسلام از ابتدای هجرت به گردش می‌آید و تا ده سال می‌گردد، سپس بر سر سال سی و پنجم از هجرت به گردش می‌افتد و تا پنج سال به آن صورت می‌ماند، آنگاه به ناچار آسیای ضلالت بر محور خود قائم خواهد شد و پس از آن پادشاهی فراعنه است. حضرت صادق علیه السلام فرمود: و خدای بزرگ در این باره وحی نازل کرد که: «به تحقیق ما آن را در شب قدر نازل کردیم و چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است» که بنی‌امیه در آن حکومت کنند و شب قدر در آن نباشد. سپس فرمود: پس خدای عزوجل، پیامبر صلی الله علیه و آله را آگاه فرمود که بنی‌امیه قدرت و حکومت این امت را به دست می‌گیرند و مدت سلطنتشان برابر همین زمان است، پس اگر کوهها با ایشان به سرکشی برخیزند ایشان بر کوهها بلندی گیرند تا وقتی که خدای بزرگ به نابودی حکومتشان حکم

کند و بنی‌امیه در این مدت عداوت و کینه ما اهل بیت را شعار خود می‌نمایند، خداوند از آنچه در مدت حکومت بنی‌امیه بر اهل بیت محمد و دوستان و شیعیانشان می‌رسد به رسولش خبر داد، آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: و خدا درباره بنی‌امیه وحی نازل فرمود که: «آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر بدل کردند و قوم خود را به دار هلاکت افکندند دوزخ که در آن سرنگون شوند و بد قرارگاهی است.»! و نعمت خدا محمد و اهل بیت آن حضرتند که دوستی ایشان ایمانی است که باعث ورود به بهشت است و دشمنی ایشان کفر و نفاق است که به جهنم درمی‌آورد، پس رسول خدا این راز را پنهانی با علی و اهل بیتش در میان گذاشت. متوکل گفت: پس از آن حضرت صادق علیه السلام فرمود: احدی از ما اهل بیت تا روز قیامت قائم ما برای دفع ظلمی یا به پا داشتی حقی (بدون اذن امام یا بدون نیروی لازم) خروج نکرده و نخواهد کرد مگر آنکه طوفان بلا او را از ریشه برکند و قیامش موجب افزایش غصه ما و شیعیان ما گردد. متوکل گفت: آنگاه حضرت صادق علیه السلام دعاهای صحیفه را بر من املا فرمود و آن هفتاد و پنج باب بود که من به حفظ یازده باب آن توفیق نیافتم و شصت و چند باب آن را حفظ نمودم. (عکبری گوید): و حدیث کرد ما را ابوالفضل، گفت: و حدیث کرد مرا محمد بن حسن بن روزبه ابوبکر مدائنی کاتب ساکن رحبه در خانه خودش، گفت: حدیث کرد مرا محمد بن احمد بن مسلم مطهری، گفت: حدیث کرد مرا پدرم از عمیر بن متوکل بلخی از پدرش متوکل بن هارون گفت: یحیی بن زید بن علی علیه السلام را ملاقات نمودم - سپس حدیث را تا خواب پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت صادق علیه السلام از پدرانش - که درود خدا بر آنان باد - روایت کرد بیان کرد و فهرست ابواب دعا در روایت مطهری ۵۴ فقره (مطابق فهرست کتاب) است. و باقی ابواب به لفظ ابوعبدالله حسنی رضی الله عنه است: حدیث کرد ما را ابوعبدالله جعفر بن محمد حسنی، گفت: حدیث کرد ما را عبدالله بن عمر بن خطاب زیات، گفت: حدیث کرد مرا دایم علی بن نعمان اعلم، گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکل ثقفی بلخی، از پدرش متوکل بن هارون گفت: املا فرمود بر من آقاامام صادق علیه السلام ابوعبدالله جعفر بن محمد، فرمودند: جدم علی بن الحسین بر پدرم محمد بن علی - بر تمامشان درود - در حضور من املا فرمود.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ، بَدَأَ

دعای امام سجاد علیه السلام چون به دعا برمی‌خواست بدین صورت به

بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَالشَّنَاءِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

سپاس و حمد خداوند عزوجل ابتداء می‌کرد و می‌گفت:

﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ

(۱) سپاس مخصوص خداست. آن وجود مبارکی که اول است، بی آن که

بِلا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ، الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ
أَوَّلُ پِيشِ اَزْ اَوْ بَاشِدْ وَ آخِرِ اسْتِ، بِي اَن كِه آخِرِي پَسِ اَزْ اَوْ بَاشِدْ.

أَبْصَارُ التَّاطِرِينَ، وَ عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ
دِيْدِه بِيْنْدِگَانِ اَزْ دِيْدِنَشِ نَاتَوَانِ، وَ گِمَانِ وَصْفِ كِنْدِگَانِ اَزْ سْتُوْدِنَشِ

الْوَاصِفِينَ.

عاجز است.

﴿٢﴾ ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ

(۲) موجودات را به قدرتش آفرید؛ آفریدنی خوش‌نما و مخلوقات را به

عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ
اِرَادَةِشِ سَاخْتِ، سَاخْتِنِي زِيْبَا. اَن گَاهِ، تَمَامِ اَن هَا رَا دَر مَسِيْرِ خَوَاسْتِه خُوْدِ

إِرَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ

رَاهِي مُوْدِ وَ دَر رَاهِ مَحَبَّتَشِ بَرَانْگِيخْتِ. قُدْرَتِ پَسِ رَفْتَنِ، بِه جَانِبِ مَرْزَهَائِي



تَأْخِرًا (تَأْخِرًا) عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

که آنان را از آنها پیش انداخت ندارند و توان پیش رفتن به سوی حدودی که

تَقَدَّمًا إِلَى مَا آخَرَهُمْ عَنْهُ، ﴿۳﴾ وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ

آنان را از آنها پس انداخت ندارند. (۳) از رزق و روزیش، برای هر یک

مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ

از جان داران، خوراک معلوم و قسمت شده قرار داد. سهم کسی را که فراوان داده،

مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ؛

احدی نمی‌تواند بکاهد و نصیب کسی از آنان را که کاسته، هیچ کس نمی‌تواند

﴿۴﴾ ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَنَصَبَ

ببفزاید. (۴) آنگاه زندگی او را زمانی

لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ،

محدود قرار داد که به سوی آن پایان، با ایام عمرش قدم برمی‌دارد و با

وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامٍ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى

سالهای زندگی، به آن نزدیک می‌شود، تا هنگامی که به دورترین باقی

أَثَرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبَضَهُ إِلَى مَا

مانده پایان زندگی برسد و پیمانه حساب عمرش را تمام و کامل دریافت

نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ،

کند. او را به سوی آنچه از پاداش بسیار، یا عذاب دردناک فرا خوانده برسد،

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ

تا به خاطر عدالتش، بدکاران را به علت کردار ناپسندشان و نیکوکاران



أَحْسِنُوا بِالْحُسْنَى»، عَدْلًا مِنْهُ؛ ﴿٥﴾ تَقَدَّسَتْ

را به سبب کار نیکشان جزا دهد. (٥) پاک و مبارک است نام‌های

أَسْمَاؤُهُ، وَتَظَاهَرَتْ أَلَاؤُهُ؛ «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ

حضرتش و پی در پی است نعمت‌هایش. از آنچه انجام می‌دهد، بازخواست

وَهُمْ يُسْأَلُونَ».

نشود، ولی همگان در پیشگاهش بازخواست شوند.

﴿٦﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنِ عِبَادِهِ

(٦) سپاس مخصوص خداست که اگر بندگانش را از شناخت سپاس‌گزاریش بر آنچه

مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِثْلِهِ الْمُتَتَابِعَةِ،

که از عطایای پیاپی که محض امتحان‌کردنشان به آنان عنایت فرمود و نعمت‌های

وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَتَابِعَةِ، لَتَصَرَّفُوا

پیوسته‌ای که بر آنان کامل‌کرد به چاه محرومیت می‌انداخت، در عطایا و نعمت‌هایش، دخل

فِي مِثْلِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ

و تصرف می‌کردند و او را سپاس نمی‌گزاردند و روزیش را به فراوانی خرج می‌کردند و به

فَلَمْ يَشْكُرُوهُ، ﴿٧﴾ وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ، لَخَرَجُوا مِنْ

شکر عنایاتش برغمی‌خاستند. (٧) اگر چنین بودند، از حدود انسانیت بیرون

حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا

می‌رفتند و به مرز حیوانیت می‌رسیدند. در نتیجه به این صورت بودند که

وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ، بَلْ

در کتاب محکم‌ش وصف کرده: «آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه



هُمَ أَضَلَّ سَبِيلًا».

آنان گمراه‌ترند!».

﴿٨﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ ،

(۸) و سپاس مخصوص خداست که وجودش را به ما شناساند و

وَالْهَمَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ

شکرش را به ما الهام فرمود و درهای دانش را به پروردگارش

بُرُوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي

به روی ما گشود و ما را بر اخلاص ورزی در یکتایش راهنمایی

تَوْحِيدِهِ، وَجَتَّبْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ؛

کرد و از انحراف در دین و تردید در دستورش، دور داشت.

﴿٩﴾ حَمْدًا نَعْمَرُّ بِهِ فِي مَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ،

(۹) خدا را سپاس می‌گزارم، سپاسی که با آن، در گروه سپاس‌گزاران از بندگانش زندگی کنم

وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَىٰ رِضَاهُ وَعَفْوِهِ؛ ﴿١٠﴾

و با آن سپاس بر هر که به خشنودی و گناه بخشی‌اش پیشی‌جسته، سبقت بگیرم. (۱۰)

حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ، وَيُسَهِّلُ

سپاسی که به سبب آن، تاریکی‌های برزخ را بر ما روشن کند و به وسیله

عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَيُشْرِفُ بِهِ مَنَازِلَنَا

آن، راه رستخیز را بر ما آسان فرماید و به کمک آن، رتبه‌های ما را نزد گواهان

عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، «يَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ

روز قیامت بلند گرداند. «روزی که هر وجودی، به خاطر آنچه مرتکب شده،



بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»، «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى

پاداش داده شود و مورد ستم قرار نگیرد»؛ «روزی که هیچ دوستی، چیزی از عذاب را از

عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»؛ ﴿۱۱﴾ حَمْدًا

دوستش دفع نکند و این گنهکاران حرفه‌ای از جانب کسی یاری نشوند»؛ (۱۱) سپاسی

يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ، «فِي كِتَابِ مَرْقُومٍ،

که از جانب ما، در پرونده‌ای که کردار نیکان در آن رقم خورده و مقربان درگاهش

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»؛ ﴿۱۲﴾ حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عِيُونُنَا

گواهان آنند، به سوی اعلا عِلِّيِّينَ بالا رود، (۱۲) سپاسی که چون دیده‌ها در قیامت

إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ، وَتَبَيَّضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا

خیره شود، سبب روشنی دیده ما شود و هنگامی که چهره‌ها سیاه گردد، به نورانیت

اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ؛ ﴿۱۳﴾ حَمْدًا نَعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ

آن صورت‌های ما به سپیدی رسد. (۱۳) سپاسی که ما را از آتش دردناک

نَارِ اللَّهِ، إِلَىٰ كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ؛ ﴿۱۴﴾ حَمْدًا نَزَّاحِمُ

خدا آزاد و در جوار کریمانه‌اش جای دهد. (۱۴) سپاسی که به وسیله آن،

بِهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامٌ بِهِ أَنْبِيَاءُهُ

همدوش فرشتگان شویم و در پیشگاه رحمتش جای را بر آنان تنگ کنیم و به

الْمُرْسَلِينَ، فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ، وَمَحَلِّ

سبب آن، در سرای جاودانی که از بین نمی‌رود و محل کرامتش که دگرگونی نمی‌پذیرد

كِرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ.

با پیامبران مرسل همراه شویم.



﴿۱۵﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ،

(۱۵) و سپاس مخصوص خداست که زیبایی‌های آفرینش را برای ما برگزید

وَأَجْرِي عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ ، وَجَعَلَ

و روزی‌های پاکیزه را به سوی ما روان ساخت. و ما را با تسلط بر همه

لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ ،

موجودات برتری داد. در نتیجه، همه موجوداتش بر اساس قدرت حضرتش

فَكُلُّ خَلْقِيَّتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ ، وَ صَائِرَةٌ إِلَى

فرمانبردار ما هستند و در سایه عزتش، در گردونه اطاعت از ما قرار

طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ .

دارند.

﴿۱۶﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ

(۱۶) و سپاس مخصوص خداست که در احتیاج و نیاز ما را از غیر

إِلَّا إِلَيْهِ ، فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَهُ؟! أَمْ مَتَى

خود بست؛ پس چگونه قدرت سپاس‌گزاری او را داریم؟ یا چه زمانی

نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟! لَمْ مَتَى؟! ﴿۱۷﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

می‌توانیم به ادای شکرش اقدام کنیم؟ هیچ‌گاه! (۱۷) و سپاس مخصوص خداست

الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ ، وَجَعَلَ لَنَا

که در پیکر ما ابزار گشودن اندام را سوار کرد و آلات بستن آنها را قرار داد و

أَدْوَاتِ الْقَبْضِ ، وَمَتَّعَنَا بِرُوحِ الْحَيَاةِ ، وَأَثَبَتْ

ما را با روان‌های زنده، از زندگی بهره‌مند ساخت و اعضای انجام دادن کار



فِي نَاجِوَارِحِ الْأَعْمَالِ، وَغَدَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ،

را در وجود ما استوار کرد و با روزی‌های پاکیزه خوراک داد و با احسانش

وَ أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَنِّهِ؛ ﴿١٨﴾ ثُمَّ أَمَرْنَا

ما را بی‌نیاز کرد و با عطایش به ما سرمایه بخشید، (۱۸) آنگاه دستورهایش را

لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا، وَ نَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا،

متوجه ما فرمود تا فرمان بردن ما را بسنجد و از محرمات بر حذرمان داشت تا شکر کردنمان

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَ رَكِبْنَا مُتُونِ زَجْرِهِ،

را بی‌ایمانی، پس از این همه عنایت، از مسیر دستورش روی گردانیدیم و بر مرکب سخت و

فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَ لَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ

سنگین محرماتش سوار شدیم. با این همه، به کیفرش نسبت به ما شتاب نوریذ و بر انتقام

تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا، وَ انْتَضَرُّ مُرَاجَعَتَنَا

گرفتن از ما عجله نکرد؛ بلکه به رحمت و کرمش از سر خشنودی و رضایت با ما معامله کرد و به

بِرَأْفَتِهِ حَلْمًا.

مهربانی و بردباریش، بازگشت ما را از مسیر گناه انتظار کشید.

﴿١٩﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ، الَّتِي

(۱۹) و سپاس مخصوص خداست که ما را به بازگشت و توبه از گناه، راهنمایی کرد؛ توبه‌ای که آن

لَمْ نَفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْلَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ

را جز از طریق احسانش به دست نیاوردیم و اگر از فضل و احسان بی‌شمارش، غیر این عنایت را که

الْآبِهَاءُ، لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَ جَلَّ

عبارت از بخشیدن نعمت توبه و بازگشت است، به حساب نیاوریم، محققاً آزمایشش درباره ما نیکو



اِحْسَانُهُ الْيَنَاءِ، وَجَسْمَ فَضْلِهِ عَلَيْنَا، فَمَا هُنَّكَ

واحسانش در حق ما بزرگ و بخشش او بر ما عظیم است. روش وجود مقدسش در برنامه توبه در باره
كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا؛ (۲۰) لَقَدْ

کسانی که پیش از ما بودند، چنین نبود: (۲۰) آنچه را در عرصه گاه توبه، در طاقت و توان ما نبوده،
وَضَعْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ لَمْ يُكَلِّفْنَا

از دوش جان ما برداشته و جز به اندازه قدرت و وسعمان به ما تکلیف نفرموده، در میان آن همه
اِلَّا وُسْعًا، وَ لَمْ يُجَسِّمْنَا اِلَّا يُسْرًا، وَ لَمْ يَدْعُ

تکالیف سخت، ما را جز به تکالیف آسان و انداشته و در این زمینه، برای هیچ یک از ما دلیل و بهانه‌ای
لَا حَدِّ مِمَّا حُجِّجَتْ وَلَا عُذْرًا، فَالْهَالِكُ مِمَّا مَنَ

باقی نگذاشته است؛ بنابراین هلاک شونده از ما، کسی است که در میدان مخالفت با او هلاک گردد
هَلَكَ عَلَيْهِ، وَ السَّعِيدُ مِمَّا مَنَ رَغِبَ اِلَيْهِ.

و سعادتمند از ما کسی است که به سوی او میل و رغبت نماید.

(۲۱) وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ اَدْنٰى

(۲۱) و خدا را سپاس، به همه آن سپاسی که نزدیک‌ترین فرشتگان
مَلَائِكَتِهِ اِلَيْهِ، وَ اَكْرَمُ خَلْقَتِهِ عَلَيْهِ، وَ اَرْضٰى

به او و بزرگواریترین مخلوقاتش نزد او و پسندیده‌ترین ستایش‌گران
حَامِدِيهِ لَدَيْهِ؛ (۲۲) حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ،

آستان او، حضرتش را ستوده‌اند؛ (۲۲) سپاسی که از دیگر سپاس‌ها،
كَفْضُلِ رَبِّنَا عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِهِ، ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ

برتری جوید، مانند برتری پروردگار به همه مخلوقات. سپس او را



مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَّهُ عَلَيْنَا، وَعَلَىٰ جَمِيعِ عِبَادِهِ

سپاس، به جای تمام نعمت‌هایی که او بر ما و به تمام

الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ، عَدَدًا مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ

گذشته‌اش و همه آنانی که هستند و می‌آیند دارد، سپاسی به عدد

مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ

تمام‌اشیایی که دانشش بر آنها احاطه دارد و سپاسی به جای هر یک از اشیا

مِنْهَا عَدَدًا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً، أَبَدًا سَرْمَدًا

به چندین برابر؛ سپاسی ابدی و همیشگی

إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ ﴿٢٣﴾ حَمْدًا لَا مُنْتَهَىٰ لِحَدِّهِ،

تا روز قیامت، (۲۳) سپاسی که مرز را پایانی

وَلَا حِسَابَ لِعَدْدِهِ، وَلَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ،

و شماره آن را حسابی و پایانش را نهایی

وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمْدِهِ؛ ﴿٢٤﴾ حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً إِلَىٰ

و مدت‌ش را سرآمدی نباشد. (۲۴) سپاسی که رشته اتصال

طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ، وَ سَبَبًا إِلَىٰ رِضْوَانِهِ، وَ ذَرِيعَةً

به طاعت و بخشش و عامل رضایت و خشنودیش و وسیله

إِلَىٰ مَغْفِرَتِهِ، وَ طَرِيقًا إِلَىٰ جَنَّتِهِ، وَ خَفِيرًا

آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و حفاظت کننده

مِنْ نَقْمَتِهِ، وَ أَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ، وَ ظَهِيرًا عَلَىٰ

از کيفرش و امان از خشمش و مددکاری بر



طَاعَتِهِ، وَ حَاجِزًا عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَ عَوْنًا

طاعتش و مانع و سدی از نافرمانیش و کمکی

عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ؛ ﴿٢٥﴾ حَمْدًا نَسَعْدُ

بر ادای حق و عهد و پیماناش باشد. (۲۵) سپاسی که به وسیله آن، در گروه

بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرُهُ فِي نَظْمِ

سعادتمندان از دوستانش، به خوشبختی و سعادت برسیم، و به سبب آن با شمشیر

الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ؛ إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.

دشمنانش در سلك شهیدان قرار گیریم. همانا اویار بندگان، و خدای ستوده خصال است.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا التَّحْمِيدِ،

دعای امام سجاد علیه السلام پس از این ستایش

فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

در درود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله

﴿١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ،

(۱) سپاس مخصوص خداست، که نه بر امت‌های گذشته و زمان‌های سپری

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ،

شده؛ بلکه بر ما به وجود محمد صلی الله علیه و آله منت نهاد؛ با قدرتش که

وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ

از هیچ چیز هر چند بزرگ باشد، ناتوان نمی‌شود و هیچ چیز هر چند کوچک و

وَإِنْ عَظُمَ، وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطْفٌ، ﴿٢﴾

ریز باشد، از دایره اختیار و عرصه ارادتش، بیرون نمی‌رود. (۲) خدای توانا، ما را

فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مِنْ ذُرَا، وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ

بر همه امت‌هایی که آفرید، خاتم قرار داد و بر همه منکران حق و حقیقت

عَلَى مَنْ جَحَدَ، وَكَثَّرْنَا بِإِمْنِهِ عَلَى مَنْ قَلَّ.

گواه گرفت و با نیکی و احسانش، ما را بر آنان که اندک بودند، فزونی بخشید.

﴿٣﴾ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مِينِكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ،

(۳) خدایا بر محمد درود فرست، آن وجود مبارکی که امین بر



وَنَجِيكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ،

وحیت و گزیده از مخلوقات و انتخاب شده از بندگان توست

إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ،

و او پیشوای رحمت و قافله سالار خوبی و کلید برکت است.

﴿٤﴾ كَمَا نَضَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ، وَعَرَّضَ فَيْكَ

(٤) چنانکه جانش را برای فرمانت به زحمت انداخت و بدنش را در راه وجود مقدست

لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ، وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

در معرض ناراحتی قرار داد و در دعوت به سوی تو، آشکارا با خویشان و نزدیکانش

حَامَّتَهُ، وَحَارَبَ فِي رِضَاكَ أَسْرَتَهُ، وَقَطَعَ

رو در رو قرار گرفت و در مسیر خشنودیت با اشخاص خانواده اش جنگید و در راه

فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحْمَةً، وَأَقْصَى الْأَدْنَى عَلَى

برقراری دینت، از خویشاوندانش برید و نزدیک ترین بستگانش را به سبب انکارشان، از

جُحُودِهِمْ، وَقَرَّبَ الْأَقْصَى عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ،

خود دور کرد و دورترین را به علت پذیرفتن دین تو، به خود نزدیک فرمود. با بیگانه ترین

وَوَالِي فَيْكَ الْأَبْعَدِينَ، وَعَادَى فَيْكَ الْأَقْرَبِينَ،

مردم، به خاطر تو دوستی ورزید و با نزدیک ترین خویشان، به هوای تو دشمنی کرد.

وَأَدَابَ نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ، وَاتَّعَبَهَا

و جانش را در رساندن پیام تو به خستگی افکند و وجودش را به خاطر فراخواندن

بِالدُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ، وَشَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ

مردم به آیین تو، به زحمت افکند و خود را به جهت خیرخواهی، نسبت به پذیرندگان



دَعْوَتِكَ، ﴿٥﴾ وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَةِ، وَمَحَلِّ

دعوت در عرصه کار و کوشش گذاشت (۵) و برای تبلیغ دینت، به سرزمینهای

النَّاسِ عَنِ مَوَاطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ،

غربت و جا و مکان دور از وطن و دور از خانه و منزلش و جدای از مرکز سکونت

و مَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِرَادَةً مِنْهُ

و محل تولد و آرامگاه جانش، هجرت کرد. این هجرت اراده و خواست او بود برای

لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَ اسْتِنصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ

نیرومند شدن دینت و یاری جستن علیه کافران به حضرت، (۶) تا جایی که هر

بِكَ، ﴿٦﴾ حَتَّى اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ،

آنچه، دریاه دشمنانت با چاره‌جویی و دوراندیشی، در صدد به دست آوردنش بود،

وَ اسْتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ، فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ

برای او هموار شد و آنچه در مورد دوستانت، سنجیده و نظام داده بود برایش کامل

مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِكَ، وَ مُتَّقَوِيًّا عَلَى ضَعْفِهِ

گشت. پس در حالی که از کمک دهیات، خواستار پیروزی بود و از یاریت به جبران

بَبَصْرِكَ، فَغَزَاهُمْ فِي عَقْرِ دِيَارِهِمْ، وَ هَجَمَ

ناتوانیش خواهان نیرو و قدرت بود، به سرعت به کارزار، با دشمنان برخاست ؛

عَلَيْهِمْ فِي بُجُوحَةِ قَرَارِهِمْ، حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ،

در نتیجه در وسط سرزمینشان با آنان جنگید و در میان محل اقامتشان به آنان هجوم

وَ عَلَتِ كَلِمَتُكَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

برد تا فرمانت آشکار شد و دینت برتری یافت؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید.



(۷) اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ

(۷) خدایا! به خاطر مشقت و زحمتی که در راه تو کشید، مرتبه او را به

الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ، حَتَّى لَا يُسَاوَى فِي مَنْزِلَةٍ،

بالاترین درجه بهشت بالا بر، تا جایی که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل،

وَلَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبَةٍ، وَلَا يُوَازِيهِ لَدَيْكَ

در پیشگاه حضرت در قدر و منزلت و درجه و مرتبت با او یکسان و برابر و

مَلِكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَعَرَّفَهُ فِي

موازی نشود و از نیکی شفاعت و پذیرش میانجی‌گری او در مورد

أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ، مِنْ حُسْنِ

اهل بیت پاکیزه‌اش و امت مؤمنش، بیش‌تر از آنچه

السَّفَاعَةِ أَجَلَ مَا وَعَدْتَهُ؛ (۸) يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ، يَا

به او وعده داده‌ای، به حضرتش اعلام کن. (۸) ای که وعده‌ات تحقق می‌یابد

وَإِيفَاءِ الْقَوْلِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنْ

و عهدهت قرین وفاست! ای که بدی‌ها را، به چندین برابر به خوبی‌ها تبدیل

الْحَسَنَاتِ؛ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

می‌کنی! همانا تو صاحب احسان و بخشش عظیمی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در طلب رحمت بر حاملان عرش

وَكَلِّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ

و تمام فرشتگان مقرب

﴿١﴾ اللَّهُمَّ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يُفْتَرُونَ

(۱) خدایا! و حاملان عرش: آن بزرگوارانی که از تسیح گفتن

مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَلَا يَسَامُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ،

برای تو سست و بی حال نمی شوند و از تقدیست به ستوه نمی آیند،

وَلَا يَسْتَحْصِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا يُؤْثِرُونَ

و از بندگیت خسته و وامانده نمی گردند، و کوتاهی در عمل را بر کوشش

التَّقْصِيرَ عَلَى الْجَدِّ فِي أَمْرِكَ، وَلَا يَغْفَلُونَ عَنِ

در اجرای دستور ترجیح نمی دهند، و از شیفگی و سرگشتگی نسبت به

الْوَلَهُ إِلَيْكَ؛ ﴿٢﴾ وَإِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ،

تو، غفلت نمی ورزند. (۲) و اسرافیل که صاحب شیپور است؛ آن بلندمرتبه ای که

الشَّأْخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَحُلُولَ

چشم به راه اجازه و فرود آمدن دستور، از جانب توست. به محض رسیدن فرمانت

الْأَمْرِ، فَيَنْبِئُهُ بِالنَّفْحَةِ صَرَعى رَهَائِنَ الْقُبُورِ؛

با یک بار دمیدن در شیپور، افتادگان در زندان گور، از خواب مرگ بیدار می کند.



(۳) وَمِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَالْمَكَانِ

(۳) و میکائیل که نزد تو، صاحب مقام و مرتبه است، و در

الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ؛ (۴) وَجِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى

عرصه طاعتت دارای درجه‌ای بلند است. (۴) و جبرئیل که امین بر

وَحِيكَ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ، الْمَكِينُ

وحی توست، و در میان اهل آسمان‌هایت مورد اطاعت است؛

لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ؛ (۵) وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ

فرشته‌ای که در پیشگاهت ارجمند، و نزد حضرتت مقرب است. (۵) روحی

عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ، وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ

است که بر فرشتگان حجاب‌ها گمارده‌ای، و جانی است که از

مِنْ أَمْرِكَ؛ (۶) فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ

مشرق فرمانت طلوع کرده؛ (۶) پس بر همه آنان درود فرست.

الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ، مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ،

و بر فرشتگانی که از نظر مرتبه و مقام پایین‌تر از آنانند؛ فرشتگانی که

وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَتِكَ؛ (۷) وَالَّذِينَ

ساکنان آسمان‌هایت هستند، بر پیام‌هایت امینند. (۷) و آنان که

لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَلَا أَعْيَاءٌ مِنْ

به خاطر کوشش پیوسته و دائم‌شان، ملامت بر آنها وارد نمی‌شود، و از

لُغُوبٍ وَلَا فُتُورٍ، وَلَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ

هیچ زحمتی، خستگی و سستی و ناتوانی به آنان راه پیدا نمی‌کند. امیال



الشَّهَوَاتُ ، وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ

و شهوات، از تسبیحت بازشان نمی‌دارد، و فراموشی ناشی از غفلت‌ها

الْغَفَلَاتِ ، ﴿٨﴾ الْخَشَعُ الْأَبْصَارِ ، فَلَا يَرُومُونَ

آنان را از تعظیم به تو جدا نمی‌کند، (۸) فروهسته دیدگانند؛ بنابراین،

النَّظَرَ إِلَيْكَ ، النَّوَاصِيسُ الْأَذْقَانِ ، الَّذِينَ قَدْ

نظر کردن به جمال و جلال حضرتت را درخواست نمی‌کنند. از حقارت

طالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ

و خواری، در برابر عظمتت سر به زیر افتاده‌اند. شوقشان به آنچه نزد

آلَائِكَ ، وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَجَلالِ

توست، طولانی شد. به یاد نعمت‌هایت شیفته‌اند و در برابر عظمت

كِبْرِيائِكَ ؛ ﴿٩﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى

و بزرگی کبریایت فروتنند. (۹) و آن دسته از فرشتگانی که چون به

جَهَنَّمَ ، تَزْفِرُ عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ : سُبْحَانَكَ ،

جانب جهنم بنگرند، و آن را بر متخلفان از دستورهایت خروشان و عربده‌کنان ببینند،

مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ ؛ ﴿١٠﴾ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

می‌گویند: خدایا! منزه و پایی. ما تو را چنانکه سزاوارتوست بندگی نکردیم؛ (۱۰) پس

وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ ، وَ أَهْلِ

بر آنان درود فرست، و نیز درود فرست بر روحانیون از فرشتگان و اهل

الرُّؤْفَةِ عِنْدَكَ ، وَ حَمَالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ ،

رتبه و منزلت در پیشگاهت و حاملان پیام غیب، به سوی رسولانت،



وَالْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ، وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ

و امینان بر وحیت و اصفاف فرشتگانی که

الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَغْنَيْتَهُمْ عَنِ

آنان را به خود اختصاص داده‌ای، در سایه تقدیست،

الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ، وَأَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ

از خوراک و آشامیدن بی‌نیاز کرده‌ای، و در اندرون طبقات آسمان‌هایت، ساکن

أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ؛ ﴿۱۱﴾ وَالَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا

فرموده‌ای. (۱۱) و درود بر آنان که چون فرمانت به انجام وعده‌ات نازل

نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامٍ وَعَدِكَ؛ ﴿۱۲﴾ وَخُزَّانِ الْمَطَرِ

شود، به اطراف آسمان‌ها گماشته شوند. (۱۲) و درود بر خزانه‌داران باران

وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ، وَالَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ

و حرکت دهندگان ابر و فرشته‌ای که به صدای فریادش،

يُسْمَعُ زَجَلُ الرَّعْدِ، وَإِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةٌ

غرش رعدها شنیده می‌شود، و هنگامی که ابر خروشان به وسیله او

السَّحَابِ التَّمَعَّتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ؛ ﴿۱۳﴾

به حرکتی شتابانه درآید، شعله‌های برق درخشیدن گیرد. (۱۳)

وَمُشَيِّعِي الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَالْمُهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ

و درود بر فرشتگانی که برف و تگرگ را بدرقه می‌کنند، و فرشتگانی که همراه قطره

الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَالْقَوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَّاحِ،

باران، چون ببارد، فرود آیند. و درود بر آنان که سرپرست خزینه‌های بادند،



وَالْمُؤَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ؛ ﴿١٤﴾ وَالَّذِينَ

و آنان که بر کوهها گماشته شده‌اند؛ بنابراین از جا در نمی‌روند، (۱۴)

عَرَفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَكَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوْ أَعْجُ

و درود بر آنان که وزن آب‌ها، و اندازه باران‌های سیل‌آسا، و رگبارهای

الْأَمْطَارِ وَعَوَالِجُهَا، وَرُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى

متراکم را به آنها شناسانده‌ای. و درود بر فرستادگانت به سوی

أَهْلِ الْأَرْضِ، بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ،

اهل زمین، از فرشتگانی که گرفتاری ناخوشایند و گشایش

وَمَحْبُوبِ الرَّخَاءِ، ﴿١٥﴾ وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ،

خوش آیند برای آنان می‌آورند، (۱۵) و درود بر سفیران بزرگواری نیکوکار،

وَالْحَفِظَةَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَمَلِكِ الْمَوْتِ

و نویسندگان ارجمندی که حافظان اعمال مردمند، و درود بر فرشته مرگ

وَأَعْوَانِهِ، وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَرُومَانَ فَتَّانِ

و یارانش و منکر و نکیر و رومان آزمایش کننده مردگان

الْقُبُورِ، وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَمَالِكِ

قبرها، و درود بر طواف‌کنندگان بیت معمور، و بر مالک

وَالْخَزْنَةِ وَرِضْوَانَ، وَسَدَنَةَ الْجِنَانِ؛ ﴿١٦﴾

و خازنان دوزخ و رضوان، و خدمتگزاران بهشت. (۱۶)

«وَالَّذِينَ لَا يَعِصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَيَفْعَلُونَ

و درود بر فرشتگانی که، خدا را «در آنچه دستورشان می‌دهد، مخالفت نمی‌کنند، و آنچه



مَا يُؤْمَرُونَ»؛ ﴿١٧﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: «سَلَامٌ

را فرمان داده‌می شوند، انجام می‌دهند». (۱۷) و درود بر فرشتگانی که به اهل بهشت می‌گویند: «بر

عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»، وَالزَّيْنِيَّةِ

شبهه خاطر صبری که بر عبادات و ترک محرمات کردید، سلام باد». بنابراین خانه آخرت برای شما

الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: «خُذُوهُ فَغُلُّوهُ، ثُمَّ الْجَحِيمَ

نیکو خانه‌ای است، و درود بر نگاهبانان دوزخ؛ چون به آنها گفته شود: «مجرم را بگیرید و او را زنجیر

صَلُّوهُ»، ابْتَدِرُوهُ سِرَاعًا وَلَمْ يُنْظَرِوهُ، ﴿١٨﴾

کنید و سپس به جهنم دراندازید، «شتابان و سریع دستگیرش کنید و به او مهلت ندهند، (۱۸) و

وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَلَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ،

درود بر فرشته‌ای که یادش را از حساب انداختیم، و از رتبه و منزلتش آگاه

وَبِأَيِّ أَمْرِ وَكَلَّتَهُ، وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ

نشدیدم، و نمی‌دانیم او را به کاری گماشته‌ای. و درود بر فرشتگانی که ساکن هوا،

وَالْمَاءِ، وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ؛ ﴿١٩﴾ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و زمین و آبند، و کسانی از آنان که گماشتگان بر مخلوقاتند؛ (۱۹) پس بر آنان درود

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ، وَصَلِّ

فرست، روزی که هر شخصی به محشر می‌آید، در حالی که همراه او فرشته‌راننده،

عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كِرَامَةً عَلَى كِرَامَتِهِمْ،

و فرشته گواه عمل است، و بر آنان درود فرست؛ درودی که، کرامت بر کرامتشان

وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ.

و پاکی بر پاکیشان بیفزاید.



﴿٢٠﴾ اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ

(۲۰) خدایا! زمانی که بر فرشتگان و رسولانت درود می‌فرستی،

وَرُسُلِكَ، وَبَلَغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ، فَصَلِّ

و درود ما را به آنان می‌رسانی، به خاطر گفتار نیکی که در

عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ؛

وصف آنان بر زبان ما جاری ساختی، بر ما هم درود فرست:

إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

همانا تو بخشنده ارجمندی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در درود

عَلَى أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقِيهِمْ

بر پیروان پیغمبران و ایمان آورندگان به ایشان



﴿١﴾ اللَّهُمَّ وَاتَّبَاعِ الرُّسُلِ، وَ مُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ

(۱) خدایا! پیروان رسولان و تصدیق کنندگانشان، که عبارتند از مردم روی

الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ، عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَانِدِينَ

زمین، آن مردمی که تصدیقشان، قلبی و درونی بود، آنهم زمانی که دشمنان با

لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ، وَ الْإِشْتِاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ

تکذیب رسالت رسولان، به مخالفت با آنان برخاستند، ولی پیروان و تصدیق

بِحَقَائِقِ الْإِيْمَانِ، ﴿٢﴾ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ،

کنندگان، به کمک حقایق ایمانی، مشتاقانه به طرف رسولان روی آوردند، (۲) در

أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا،

هر روزگار و زمانی که رسولی فرستادی، و برای مردم آن روزگار و زمان، چراغ راه

مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ -

و دلیل و برهان برپا کردی، از زمان آدم، تا دوران محمد صلی الله علیه و آله،

مِنْ أَيْمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادَةِ أَهْلِ التَّقَى - عَلَى

از پیشوایان هدایت و فرماندهان اهل تقوا، بر همه آنان

جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ- فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ
سلام باد! خدایا! آنان را از جانب خود، به آمرزش و خشنودی
وَرِضْوَانٍ.

یاد کن.

(۳) اَللّٰهُمَّ وَاَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً، الَّذِيْنَ

(۳) خدایا! و به ویژه اصحاب محمد را، آنان که شرط همنشینی با او را، به

اَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ، وَالَّذِيْنَ اَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ

خوبی پاس داشتند، و کسانی که در یاری دادن به حضرتش، امتحان دادند،

فِي نَصْرِهِ وَكَانَفُوهُ، وَاسْرَعُوا اِلَى وِفَادَتِهِ،

امتحانی نیکو، و او را در تمام پیشامدها کمک کردند، و به زیارت و دیدارش

وَسَابَقُوا اِلَى دَعْوَتِهِ، وَاسْتَجَابُوا لَهٗ حَيْثُ

شتافتند، و برای شنیدن دعوتش، بر یکدیگر پیشی جستند، و هنگامی که دلیل

اَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ، (۴) وَفَارَقُوا الْاَزْوَاجَ

پیام‌هایش را، به گوش آنان رساند، او را اجابت کردند، و آیینش را پذیرفتند

وَالْاَوْلَادَ فِي اِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَاقَاتَلُوا الْاَبَاءَ

(۴) و در راه آشکار کردن دینش، از همسران و فرزندان جدا شدند، و برای

وَالْاَبْنَاءَ فِي تَثْبِيْتِ نُبُوَّتِهِ، وَانْتَصَرُوا بِهٖ،

پابرجا شدن نبوتش، با پدران و فرزندان خود جنگیدند، و به خاطر وجود او،

وَمَنْ كَانُوا مُنْطَوِيْنَ عَلٰى مَحَبَّتِهِ، «يَرْجُونَ

در آن جنگ‌ها پیروز شدند. و کسانی که به رشته محبت او پیچیده شدند، در مسیر



تِجَارَةً لَّنْ تَبَوَّرَ» فِي مَوَدَّتِهِ، وَالَّذِينَ هَجَرْتَهُمْ

دوستی و عشقش، «تجارتی را امید دارند، که هرگز کسادی و زیان، در آن راه ندارد».

العَشَائِرُ، إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ، وَانْتَفَتَ مِنْهُمْ

و آنان که وقتی به دستگیره دین او آویختند، قبایل و عشایرشان از آنان دوری

الْقَرَابَاتُ، إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ؛ ﴿۵﴾

گزیدند، و زمانی که در سایه قرب به او آمیدند، خویشاوندانشان از آنان کناره گرفتند.

فَلَا تَنْسَ لَهُمْ- اللَّهُمَّ- مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ،

(۵) خدایا! لطفت را برای اصحاب محمد به خاطر آنچه که محض تو، و در راه تو از

وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ

دست دادند، از نظر دور مدار و آنان را از خشنودیت خشنود ساز! و نیز به خاطر

عَلَيْكَ، وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةً لَكَ إِلَيْكَ،

آن که مردم را پیرامون دینت گرد آوردند، و در حالی که خالصانه، ملت را به سوی تو

وَاشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ،

دعوت می‌کردند، همراه فرستاده‌ات بودند، و برای این که در راه تو از شهر و دیار

وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ،

و قوم خود هجرت کردند و از فراخی معاش، به تنگی و سختی دچار شدند و افراد

وَمَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ.

زیادی که برای بزرگداشت دینت ستم‌ها تحمل کردند، پاداش عنایت کن.

﴿۶﴾ اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ،

(۶) خدایا! به آنان که به خوبی و نیکی پیرو اصحاب پیامبرند؛



الَّذِينَ « يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا

آن پیروانی که می‌گویند: « پروردگارا! ما و برادران ما را که

الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ»، خَيْرَ جَزَائِكَ، ﴿٧﴾

به ایمان بر ما پیشی گرفتند پیامرز! « بهترین پاداشت را برسان؛ (۷)

الَّذِينَ قَصَدُوا سَمَتَهُمْ، وَتَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ،

همانان که روش اصحاب را قصد کردند و سمت و سو و جهت آنان را برگزیدند،

وَمَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ، لَمْ يَشْهَرِ رَيْبٌ فِي

و شیوه آنان را دنبال کردند، در حالی که تردیدی در بینایشان

بصيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ،

خطور نکرد و شکی در پیروی آثارشان، و اقتدا به نشان هدایتشان، دل مشغولشان نساخت.

وَالْإِيْتِمَامِ بِهِدَايَةِ مَنْارِهِمْ، مُكَانِفِينَ وَ مُوَازِرِينَ

کم کاران و تقویت کنندگان اصحاب بودند؛ به دین آنان می‌گروند و به هدایت

لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ،

آنان راه می‌یابند و نسبت به اصحاب واقعی پیامبر اتفاق نظر دارند، و آنان را در

يَتَّفِقُونَ عَلَيْهِمْ، وَلَا يَتَّهَمُونَهُمْ فِيمَا آدَّوْا إِلَيْهِمْ.

برنامه‌هایی که از رسول اسلام به ایشان رساندند، متهم به دروغ و کذب نمی‌کنند.

﴿٨﴾ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ، مِنْ يَوْمِنَا هَذَا

بر خدایا! از امروز تا روز قیامت،

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمْ،

تابعین و همسران و فرزندان ایشان و بر هر که از آنان که



وَعَلَىٰ مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ، ﴿٩﴾ صَلَاةً تَعَصِمُهُمْ بِهَا

تو را اطاعت کرده، درود فرست؛ (۹) درودی که به سبب آن از

مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَتَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ،

معصیت بازمانداری، و به آنان در باغ بهشت، وسعت و گشایش دهی

وَتَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَتُعِينُهُمْ بِهَا

و از نیرنگ شیطان مانعشان گردی، و به هر کار نیکی که نسبت به آن

عَلَىٰ مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ، وَتَقِيهِمْ طَوَارِقَ

از تو مدد جویند، یاریشان دهی، و

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، ﴿١٠﴾

حوادث شب و روز حفظشان کنی، مگر حادثه‌ای که به خیر می‌آید، (۱۰)

وَتَبِعْتُهُمْ بِهَا عَلَىٰ اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ،

و آنان را به سبب آن درود، بر اساس اعتقاد به امید نیک و نسبت به

وَالطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ، وَتَرِكَ الشُّهُمَةَ فِيمَا تَحْوِيهِ

عنايات و لطف، و طمع به آنچه نزد توست و ترك بدگمانی درباره آنچه بندگان

أَيْدِي الْعِبَادِ، ﴿١١﴾ لَتَرُدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ،

مالك و صاحب آند، برانگیزی. (۱۱) و به جانب شوق و رغبت به سویت،

وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ؛ وَتُزَهِّدُهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ،

و بیم از حضرتت برگردانی و به فراخی دنیای زودگذر

وَتُحِبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَالِاسْتِعْدَادَ لِمَا

و فانی شدنی بی‌رغبتشان سازی، و عمل برای جهان آخرت، و آمادگی برای آنچه



بَعْدَ الْمَوْتِ، ﴿۱۲﴾ وَتَهْوَنَ عَلَيْهِمْ كُلُّ كَرْبٍ،

پس از مرگ است، محبوب آنان فرمایی (۱۲) و هر سختی و مشقت و اندوه و حزنی که

يَجِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَسْدَانِهَا،

روز بیرون رفتن جان‌ها از بدن‌ها بر آنان وارد می‌شود، آسان کنی، و آنان را از

وَتُعَافِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْدُورَاتِهَا،

اموری که به سبب آنها، فتنه واقع می‌شود؛ فتنه‌هایی که از آن می‌پرهیزند،

وَكَبَّةِ النَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا، وَتُصَيِّرَهُمْ

و از کانون و مرکز آتش و طول ماندگاری در آن، سلامت همه جانبه دهی، و

إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ.

به مقام امنی که جایگاه استراحت پرهیزکاران است، منتقل گردانی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِنَفْسِهِ وَ لِأَهْلِ وَ لَائَتِهِ

دعای امام سجاد علیه السلام درباره خود و دوستانش

﴿۱﴾ يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى

(۱) ای آن که، شگفتی‌های عظمتش به پایان نمی‌رسد! بر محمد و آلش درود

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَحْبَبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ؛

فرست، و ما را از سرکشی و ستیزگی در برابر بزرگیت، حایل و مانع باش.

﴿۲﴾ وَيَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةَ مُلْكِهِ، صَلِّ عَلَى

(۲) و ای آن که دوران فرمانرواییش به نهایت نمی‌رسد! بر محمد و آل محمد

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتَقَ رِقَابَنَا مِنْ نِقْمَتِكَ؛ ﴿۳﴾ وَيَا

درود فرست، و ما را از مجازاتت رهایی بخش. (۳) و ای آن

مَنْ لَا تَفْنِي خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

که خزینه‌های رحمتش نابود نمی‌شود! بر محمد و آلش درود فرست،

وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ؛ ﴿۴﴾ وَيَا

و از رحمتت برای ما بهره و سهمی قرار ده. (۴) و ای

مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَيْتِهِ الْأَبْصَارُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

آن که دیده‌ها، از دیدنش قطع است! بر محمد و آلش درود فرست،

وَ آلِهِ، وَ آدِنَا إِلَى قُرْبِكَ؛ ﴿۵﴾ وَيَا مَنْ تَصَغَّرُ عِنْدَ

و ما را به قرب خود نزدیک کن. (۵) و ای آن که نزد



خَطِرُهُ الْأَخْطَارُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

عرصه‌گاه مقامش، همه مقام‌ها کوچک است! بر محمد و آلش درود

وَكَرَّمْنَا عَلَيْكَ؛ ﴿٦﴾ وَيَا مَنْ تَظَهَّرُ عِنْدَهُ

فرست، و ما را در پیشگاهت ارجمند دار، (٦) و ای آن که خیره‌ای

بِوَاطِنِ الْأَخْبَارِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

پنهانی، نزدش آشکار می‌شود، بر محمد و آلش درود فرست.

وَلَا تَفْضُحْنَا لَدَيْكَ.

و ما را نزد خود رسوا مکن.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ،

(٧) خدایا! به عطا و احسانت، ما را از عطا و احسان دیگران بی‌نیاز ساز، و از

وَاكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ، حَتَّى

ما غم و اندوه بریده شدن احسان دیگران را به احسان و جایزه‌ات کفایت

لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدَلِكَ، وَلَا نَسْتَوْحِشُ

فرما، تا با بذل و بخشش تو، به بذل و بخشش احدی رغبت نکنیم، و با فضل

مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ.

و احسان تو از احدی نهراسیم.

﴿٨﴾ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَدَلْنَا

(٨) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و به سود ما چاره فرما و به زیان ما

وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا، وَامْكُرْ لَنَا وَلَا تَمْكُرْ

چاره مساز، و به سود ما تدبیر کن و به زیان ما تدبیر مفرما، و ما را بر دیگران



بِنَا، وَادِلْ لَنَا وَلَا تُدِلْ مِنَّا.

پیروزی ده، و دیگران را بر ما پیروز مگردان.

﴿۹﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنَا

(۹) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و ما را از خشم خود نگاه دار و به

مِنْكَ، وَ احْفَظْنَا بِكَ، وَ اِهْدِنَا اِلَيْكَ،

عنايت محافظت فرما و به سوی خود هدايت کن و از حضرتت دور مساز؛ همانا

وَلَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ. اِنَّ مِنْ تَقِيهِ يَسْلَمُ، وَمَنْ تَهْدِهِ

هر که را تو حفظ کنی سالم می ماند، و هر که را تو هدايت فرمایی دانا می شود، و

يَعْلَمُ، وَمَنْ تَقُرَّبْهُ اِلَيْكَ يَغْنَمُ.

هر که را تو به خود نزديك کنی، به بهره مندی می رسد.

﴿۱۰﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اَكْفِنَا

(۱۰) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و ما را

حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ، وَ شَرِّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ،

از شدت حوادث ناگوار زمان و شرّ دام های شيطان

وَمَرَارَةِ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ.

و قهر و خشم سلطان، كفايت فرما.

﴿۱۱﴾ اَللّٰهُمَّ اِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ

(۱۱) خدایا! جز اين نيست كه قناعت كنندگان، به فضل

قُوَّتِكَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اَكْفِنَا؛ وَ اِنَّمَا

نيروی تو قناعت می کنند؛ پس بر محمد و آتش درود فرست



يُعْطِي الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ، فَصَلِّ

و ما را از فضل نیروی خود کفایت فرما، و جز این نیست که بخشندگان از فضل

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْطِنَا؛ وَإِنَّمَا يَهْتَدِي

جود تو می‌بخشند؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و از فضل جود خود بر ما

الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بخش، و جز این نیست که راه یافتگان، به نور وجه تو راه می‌یابند؛ پس بر محمد

وَآلِهِ، وَاهْدِنَا.

و آلش درود فرست، و ما را به نور وجه خود هدایت کن.

(۱۲) اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ

(۱۲) خدایا! هر که را تو یاری دهی، اقدام خوارکنندگان برای خوار کردنش

الْخَاذِلِينَ، وَمَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ،

زیانی به او نمی‌رساند، و هر که را تو عطا کنی، ممانعت کردن منع‌کنندگان

وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ؛ (۱۳) فَصَلِّ

از او نمی‌کاهد، و هر که را تو هدایت فرمایی، اقدام گمراه‌کنندگان برای

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنَا بَعْزِكَ مِنْ عِبَادِكَ،

گمراه کردنش او را به گمراهی دچار نسازد؛ (۱۳) پس بر محمد و آلش درود

وَاعْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ، وَاسْلُكْ بِنَاسِبِيلٍ

فرست، و به عزت ما را از شرّ بندگان باز دار و به عطایت از غیر خود

الْحَقِّ بِإِرْشَادِكَ.

بی‌نیاز کن، و به هدایتت ما را به راه حق ببر.



﴿۱۴﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۱۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و سلامت

سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا

دل‌های ما را در یاد بزرگیت، و آسایش بدن‌هایمان را

فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلاقَ السِّنِّتِنَا فِي

در شکر نعمت و گشوده شدن زبانمان را در

وَصِفِ مِنَّتِكَ.

وصف عطایت قرار ده.

﴿۱۵﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا

(۱۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از دعوت کنندگانی که

مِنْ دُعَاتِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَهُدَاتِكَ الدَّالِّينَ

به سوی تو دعوت می‌کنند، و راهنماییانی که به جانب تو، به دلالت بندگان

عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ؛ يَا

برمی‌خیزند، و از ویژه بندگان که در پیشگاه حضرتت اختصاص به تو دارند

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ

دعای امام سجاد علیه السلام در بامداد و شامگاه

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ،

(۱) سپاس مخصوص خداست، که شب و روز را به نیرویش آفرید

وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ، وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ

و به قدرتش میان آن دو جدایی ایجاد کرد و برای هر یک

مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَأَمَدًا مَمْدُودًا؛ ﴿۲﴾ يُولِجُ

از آنها مرزی مشخص و زمانی گسترده قرار داد. (۲) هر

كُلًّا وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَيُولِجُ صَاحِبَهُ

کدام را در درون دیگری وارد می‌کند، به سرنوشت و تقدیری

فِيهِ، بِتَقْدِيرِ مَنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ، وَيُنْشِئُهُمْ

که از جانب او، برای بندگان مقرر شده، تا آنان را به این وسیله روزی

عَلَيْهِ؛ ﴿۳﴾ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ

رساند و رشد و پرورششان دهد. (۳) پس شب را برای بندگان آفرید، تا در آن

حَرَكَاتِ التَّعَبِ، وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ، وَجَعَلَهُ

از حرکات خستگی آور و برپا ایستادن‌های رنج‌زا بیاسایند و آن را پوششی قرار

لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ، فَيَكُونُ

داد تا از آسایش و خوابش بهره‌مند شوند و نهایتاً از برکت نعمت شب، پیمانه



ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَقُوَّةً، وَلِيَنَالُوا بِهِ لَذَّةَ وَشَهْوَةَ؛

وجودشان از نشاط و نیرو لبریز شود و به وسیله آن به لذت و کام دل رسند.

﴿٤﴾ وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا، لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ

(٤) و روز را برای بندگان روشنی بخش آفرید، تا در آن به طلب فضل و

فَضْلِهِ، وَلِيَتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ، وَيَسْرَحُوا فِي

احسانش برآیند، و آن را وسیله و ابزاری برای رسیدن به رزق و روزیش قرار

أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ،

دهند، و در زمین او از پی به دست آوردن آنچه در آن سود بدون تأخیر و سریع

وَدَرَكَ الْآجِلِ فِي أُخْرَاهُمْ؛ ﴿٥﴾ بِكُلِّ ذَلِكَ

دنیای آنهاست، و نیز رسیدن به منفعت دائمی آخرتشان به راه افتند. (٥) به تمام

يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ، وَيَبْلُوا أَخْبَارَهُمْ، وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ

این امور کارشان را اصلاح می‌کند، و کردارشان را می‌آزماید، و می‌نگرد که

فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَمَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَمَوَاقِعِ

در اوقات طاعتش و جایگاه‌های واجباتش، و موارد احکامش

أَحْكَامِهِ، «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا،

چگونه‌اند. «تا کسانی را که بد کردند، به خاطر کار زشتشان، جزا دهد

وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى».

و آنان را که خوبی کردند، با بهشت پاداش بخشد.»

﴿٦﴾ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى مَا فَالَقْتَ لَنَا مِنْ

(٦) خدایا! فقط تو را سپاس، بر این نعمت: که تاریکی شب را شکافتی،



الإصباح، وَمَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَبَصَّرْتَنَا

و روشنی صبح را آشکار کردی، و ما را به شکافتن تاریکی شب از روشنی

مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ، وَوَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ

روز بهره‌مند ساختی و در راه به دست آوردن خوردنی‌ها بینا فرمودی، و از

الآفات.

پیشامدهای ناگوار بلاها نگاه داشتی.

(۷) أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتْ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجَمَلَتِهَا

(۷) شب را برای تو صبح کردیم، و همه آفریده‌ها برای تو قدم

لَكَ: سَمَاوُهَا وَ أَرْضُهَا، وَ مَا بَثَّتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ

در عرصه صبح گذاشتند. آسمان و زمینشان، و آنچه در هر کدام

مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَ مَتَحَرَّكُهُ، وَ مَقِيمُهُ وَ شَاخِصُهُ،

از آنها پراکنده‌ای، ساکن و جنبنده‌اش، ایستاده و رونده‌اش،

وَ مَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ، وَ مَا كُنَّ تَحْتَ الثَّرَى.

و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه زیر خاک پنهان شده.

(۸) أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ، يَحْوِينَا مُلْكُكَ

(۸) در عرصه گاه ملکیت تو صبح کردیم. فرمانروایی و پادشاهیت

وَ سُلْطَانِكَ، وَ تَضَمَّنَا مَشِيَّتِكَ، وَ تَصَرَّفَ

ما را گرد آورده، و اراده‌ات ما را جمع کرده. از برکت فرمانت، در کارها تصرف

عَنْ أَمْرِكَ، وَ نَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ، لَيْسَ لَنَا مِنْ

می‌کنیم، و در سایه تدبیرت دگرگون می‌شویم. جز آنچه



الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ، وَلَا مِنْ الْخَيْرِ إِلَّا مَا

فرمانت بر آن صادر شده، برای ما کار و مطلبی نیست، و جز آنچه را به ما

أَعْطَيْتَ؛ ﴿۹﴾ وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ،

بخشیدی، خیری وجود ندارد. (۹) امروز روز آفریده شده جدیدی است، و او

وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ؛ إِنْ أَحْسَنَّا وَدَعْنَا

بر ما گواه آماده‌ای است. اگر خوبی کنیم، ما را با سپاس ترک می‌کند و اگر

بِحَمْدِهِ، وَإِنْ أَسَأْنَا فَارْقَنَّا بِذَمِّهِ.

بدی کنیم، نکوهش‌کنان از ما جدا می‌شود!

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا

(۱۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و نیکو هم‌نشینانی با این روز

حُسْنٍ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ

را نصیب ما گردان، و از بد جدا شدن با او، همراه دست زدن به گناه،

بَارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ،

و ارتکاب معصیت کوچک یا بزرگ، ما را حفظ فرما، و در آن، بهره

وَ أَجْزَلِ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ

ما را از خوبی‌ها سرشار و فراوان قرار ده و از زشتی‌ها تهی کن.

مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ أَمَلْنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا

و از ابتدا تا پایانش را، برای ما از سپاس و شکر و پاداش و اندوخته آخرت و

و شُكْرًا، وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا، وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا.

فضل و احسان پُر فرما.



﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَيَّ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ مَوْوَنَتْنَا،

(۱۱) خدایا! سختی و دشواری ما را به برکت تقوا و اعمال شایسته، بر کرام کاتبین

وَ اَمَلًا لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفُنَا، وَلَا تُخْزِنَا

که فرشتگان نویسنده اعمالند، آسان ساز، و صفحات پرورنده ما را از خوبی‌ها

عِنْدَهُمْ بِسُوءِ اَعْمَالِنَا.

پر کن، و ما را نزد فرشتگان نویسنده اعمال، به کردارهای زشتان رسوا مساز.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ

(۱۲) خدایا! در هر ساعتی از ساعات

حَظًا مِنْ عِبَادِكَ، وَ نَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ، وَ شَاهِدَ

روز بهره‌ای از بندگیت، و سهمی از شکرگزاریت، و شاهد راستی از

صِدْقٍ مِنْ مَلَأْتِكِتِكَ.

فرشتگانت برای ما قرار ده.

﴿۱۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ احْفَظْنَا

(۱۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را

مِنْ بَيْنِ اَيْدِينَا وَ مِنْ خَلْفِنَا، وَ عَن اَيْمَانِنَا، وَ عَن

از پیش رو، و پشت سر و طرف راست و جانب چپ

شَمَائِلِنَا، وَ مِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا، حِفْظًا عَاصِمًا

و از تمام سمت و سویان، حفظ کن، حفظی که ما را

مِنْ مَعْصِيَتِكَ، هَادِيًا اِلَى طَاعَتِكَ، مُسْتَعْمِلًا

از نافرمانیت باز دارد، و به فرمانبرداریت راهنمایی کند، و برای



لِمَحَبَّتِكَ. ﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

عشق و محبتت به کار گیرد. (۱۴) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست،

وَوَفَّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ، وَفِي جَمِيعِ

و ما را در این روز و شبمان، و در تمام

أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَهَجْرَانِ الشَّرِّ،

ایامان برای این امور موفق بدار: به کارگیری خیر، و دوری از شر،

وَشُكْرِ النِّعَمِ، وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ، وَمُجَانَبَةِ الْبِدْعِ،

و شکر نعمتها و پیروی از روشهای نیک، و دوری از بدعتها،

وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالتَّهْيِیِّ عَنِ الْمُنْكَرِ،

و امر به معروف، و نهی از منکر،

وَحَيَاةِ الْإِسْلَامِ، وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ،

و پاسداری از اسلام و کم کردن و خوار ساختن باطل،

وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ، وَإِرْشَادِ الضَّالِّ،

و یاری و گرمی داشت حق، و گمراهی راهنمایی

وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَإِدْرَاكِ اللَّهْفِیِّ.

و کمک کردن به ناتوان، و پناه دادن به درمانده و گرفتار.

﴿١٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ أَيْمَنَ

(۱۵) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و امروز را فرخندهترین روزی که تاکنون

يَوْمَ عَهْدِنَا، وَأَفْضَلَ صَاحِبِ صَحْبِنَا، وَخَيْرِ

شناخته‌ایم، و برترین همنشینی که با او همراه بوده‌ایم و بهترین زمانی که در



وَقَتٍ ظَلَّلْنَا فِيهِ؛ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ

آن به سر برده‌ایم قرار ده، و ما را از میان تمام آفریده‌هایت، از خشنودترین

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكُرُهُمْ لِمَا

کسانی که شب و روز بر آنها گذشته، و شاکرترین کسانی که نعمت‌هایت را به

أَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ، وَأَقَوْمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ

آنان داده‌ای، و مستقیم‌ترین آنان، در عرصه گاه آیین‌هایی که وضع کرده‌ای، و

شَرَايِعِكَ، وَأَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ.

خویشترند درترین مردمی که از نافرمانیت بیمشان داده‌ای، قرار ده.

﴿١٦﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا،

(١٦) خدایا! قاطعانه تو را گواه می‌گیرم، و تو از نظر گواه بودن

وَأَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ، وَمَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ

کافی هستی و آسمان و زمینت و فرشتگانی که میان آسمان و زمینت

مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ، فِي يَوْمِي هَذَا، وَسَاعَتِي

ساکن کرده‌ای، و دیگر آفریده‌هایت را در امروز و این ساعت و

هَذِهِ، وَوَلِيَّتِي هَذِهِ، وَمُسْتَقْرَى هَذَا، إِنِّي أَشْهَدُ

این ششم، و این جایگاهم گواه می‌گیرم، که من شهادت می‌دهم

أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ،

که همانا تویی خدا؛ که خدایی جز تو نیست، بر پایه قسط، عادل

عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، رَوِّفٌ بِالْعِبَادِ، مَالِكُ الْمُلْكِ،

در حکم، مهربان به بندگان، مالک هستی،



رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ، ﴿١٧﴾ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

رحیم به آفریده‌هایی. (۱۷) و شهادت می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده و

و رَسُولُكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتَهُ

برگزیده‌ات، از میان آفریده‌های توست. رسالت را برعهده‌اش گذاشتی و او

رِسَالَتِكَ فَأَدَّاهَا، وَ أَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ

حق آن رسالت را ادا کرد و حضرتش را به خیرخواهی برای امتش دستور دادی،

لَهَا؛ ﴿١٨﴾ اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، أَكْثَرَ

و او برای امت خیرخواهی کرد. (۱۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ آتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ

بیش از آنچه بر احدی از آفریده‌هایت درود فرستاده‌ای، و از جانب ما بهترین

مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَ اجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ

چیزی که به یکی از بندگانت داده‌ای، به او عنایت کن، و از ناحیه ما برترین

وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ، أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ؛

و کریمانه‌ترین پاداشی که به یکی از پیامبرانت از طرف امتش داده‌ای، به او

إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ، الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ،

بده؛ همانا تو بسیار احسان کننده‌ای؛ احسان کننده به نعمت‌های تنومند،

وَ أَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ؛ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و آمرزنده‌ای؛ آمرزنده گناه بزرگ، و تو از هر مهربانی مهربان‌تری، پس بر

وَ آلِهِ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ.

محمد و آل پاکیزه و پاکش که نیکوکاران برگزیده‌اند، درود فرست.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهَيَّمَةٌ،

دعای امام سجاد علیه السلام هنگامی که مهمی به وی دست می‌داد

أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ، وَعِنْدَ الْكُرْبِ

یا رنجی فرود می‌آمد و به وقت اندوه

﴿١﴾ يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ

(۱) ای آن که گره‌های امور رنج‌آور، به وسیله او گشوده می‌شود، و ای آن که تندی

يُفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ

و تیزی سختی‌ها، به عنایت او فرو می‌نشیند، و ای آن که بیرون آمدن از تنگی

الْمَخْرَجُ إِلَى رُوحِ الْفَرَجِ؛ ﴿٢﴾ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ

و فشار، و قرار گرفتن در راحتی گشایش، و رهایی از غم و اندوه، از او خواسته می‌شود. (۲)

الصَّعَابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ، وَجَرَى

دشواری‌ها در برابر قدرت آسان گردد. و سبب زندگی و اسباب حیات، به لطف

بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ

فراهم آید، و فرمان و حکم به نیرویت جریان یابد. و همه چیز بر اساس و اراده‌ات

الْأَشْيَاءُ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمَرَةٌ،

می‌گذرد؛ پس همه موجودات به خواست تو بی آن که فرمان قوی دهی، فرمان

وَبَارَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ.

برند، و به اراده‌ات، بی آن که با گفتار نهی کنی از کار باز ایستند.



(۳) أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَمَّاتِ ، وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ

(۳) تنها تو را در دشواری‌های می‌خوانند، و در بلاهای سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهی.

فِي الْمُلِمَّاتِ ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ ،

بلاهای سخت و دشوار از انسان دور نمی‌شود، مگر آنچه را که تو دور کنی، و از گره‌های

وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ ، ﴿٤﴾ وَقَدْ نَزَلَ

رنج آور، چیزی گشوده نمی‌شود، مگر آنچه را تو بگشایی. (۴) پروردگارا! بلایی بر من

بِي - يَا رَبِّ - مَا قَد تَكَاذَنِي ثِقَلُهُ ، وَاللَّهِ بِي مَا

نازل شده، که سنگینی‌اش مرا به زحمت و رنج انداخته، و سختی و مشکلی به دردم

قَدْ بَهَظَنِي حَمَلُهُ ، وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ ،

آورده، که تحملش مرا در فشار قرار داد. و تو آن را به قدرتت بر من وارد کرده‌ای،

وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ ، فَلَا مُصَدِرَ لِمَا

و به اقتدارت به سوی من فرستاده‌ای؛ چیزی را که تو آورده‌ای کسی نبرد، و آنچه تو

أَوْرَدْتَ ، وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ ، وَ لَا فَاتِحَ

فرستاده‌ای کسی بازنگرداند، و چیزی را که تو بسته‌ای گشاینده‌ای برایش نمی‌باشد، و

لِمَا أَغْلَقْتَ ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ ، وَ لَا مُبَسِّرَ

چیزی را که تو بگشایی، کسی قدرت بستنش را ندارد، و آنچه را که تو دشوار کرده‌ای،

لِمَا عَسَّرْتَ ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ ؛ ﴿٥﴾ فَصَلِّ

آسان کننده‌ای برایش نیست، و کسی را که تو بی یار و یاور گذاشته‌ای یآوری برای

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ افْتَحْ لِي - يَا رَبِّ - بَابَ الْفَرَجِ

او وجود ندارد. (۵) پس بر محمد و آلش درود فرست، ای پروردگارم! به توان و



بَطُولِكَ، وَآكِسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ،

تواناییت در گشایش و فرج را به روی من باز کن، و به چاره سازیت، تسلط غم و اندوه

وَإِنِّ لِنَى حُسْنِ النَّظْرِ فِيمَا شَكَّوْتُ، وَآذِقْنِي

را از من بشکن و مرا در موردی که از آن شکایت دارم، به تأمل و تدبیر نیک برسان. و

حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

در آنچه از تو درخواست می‌کنم، شیرینی اجابت را بچشان، و از جانب خودت،

رَحْمَةً وَفَرَجًا هَنِيئًا، وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ

رحمت و گشایشی گوارا به من ببخش، و برای من از نزد خود،

مَخْرَجًا وَحَيًّا؛ ﴿٦﴾ وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ

راه نجاتی سریع قرار ده. (۶) و مرا به خاطر غمگینی و حزن و اندوه

تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضِيقْتُ

از رعایت واجبات، و به کار گرفتن مستحبات باز مدار. پروردگارا! به سبب بلایی

لِمَا نَزَلَ بِي - يَا رَبِّ - ذَرَعًا، وَامْتَلَأْتُ بِحَمَلِ

که بر من نازل شده، درمانده شده‌ام و از تحمل آنچه برای من پیش آمده،

مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا

دم از اندوه و غصه پر شده، و تو به برطرف کردن آنچه که به آن گرفتار شده‌ام،

مُنِيْتُ بِهِ، وَدَفَعَ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ،

و دور کردن بلایی که در آن افتاده‌ام، توانایی؛ بنابراین قدرت و تواناییت را درباره

وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ؛ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

من به کار گیر؛ اگر چه از جانب تو سزاوار آن نیستم. ای دارای عرش بزرگ!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در پناه بردن به حق از ناملایمات

وَسَيِّئِ الْأَخْلَاقِ، وَمَذَامِ الْأَفْعَالِ

و اخلاق سوء و کارهای ناپسند



﴿١﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحَرِصِ،

(۱) خدایا! به تو پناه می‌آوریم، از توفان حرص و تندی

وَسُورَةِ الْعُزْبِ، وَغَلْبَةِ الْحَسَدِ، وَضَعْفِ

و شدت خشم، و چیرگی حسد و ناتوانی

الصَّبْرِ، وَقَلَّةِ الْقِنَاعَةِ، وَشَكَاةِ الْخُلُقِ،

صبر، و کمی قناعت و ناسازگاری اخلاق، و پافشاری

وَالْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَمَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ، وَمُتَابَعَةِ

و سماجت شهوت و صفت تعصب، و پیروی

الهُوَى، وَمُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَسِنَةِ الْغَفْلَةِ،

از هوای نفس و عقب ماندن از هدایت، و خواب غفلت و

وَتَعَاطِي الْكُفَّةِ، ﴿٢﴾ وَإِيثارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ،

انجام کار سخت و پرمشقت (۲) و ترجیح دادن باطل بر حق

وَالْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثِمِ، وَاسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ،

و پافشاری بر گناه، و کوچک شمردن معصیت

وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ ، وَ مُبَاهَاةِ الْمُكْثِرِينَ ،

و سنگین دانستن طاعت و فخر فروشی ثروتمندان و

وَ الْإِزْرَاءِ بِالْمُقَلِّينَ ، وَ سُوءِ الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ

تحقیر تهی دستان و بدی سرپرستی نسبت به زیردستان،

أَيْدِينَا ، وَ تَرَكَ الشُّكْرَ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ

و ترک سپاس نسبت به کسی که به ما احسان و خوبی

عِنْدَنَا ، ﴿ ۳ ﴾ أَوْ أَنْ نَعُضِدَ ظَالِمًا ، أَوْ نَخْذُلَ

کرده. (۳) خدایا! به تو پناه می‌آوریم از این که ستمگری را یاری

مَلْهُوفًا ، أَوْ نَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقِّ ، أَوْ نَقُولَ فِي

کنیم، یا ستم دیده‌ای را تنها گذاریم، یا آنچه که برای ما حق نیست

الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ .

بخواهیم، یا بدون آگاهی در امور علمی سخن گوئیم.

﴿ ۴ ﴾ وَ نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشِّ أَحَدٍ ،

(۴) و به تو پناه می‌آوریم از این که راه خیانت به کسی را بی‌پیماییم، و نسبت

وَ أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا ، وَ نَمُدَّ فِي أَمَلِنَا ؛ ﴿ ۵ ﴾

به کردارمان خودپسندی کنیم، و آرزوهای خود را دور و دراز سازیم (۵) و به

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ ، وَ احْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ ،

تو پناه می‌آوریم، از بدی باطن و ناچیز شمردن گناه کوچک، و این که

وَ أَنْ يَسْتَحُوذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ ، أَوْ يَنْكُبْنَا

شیطان بر ما چیره شود، یا روزگار ما را به عرصه بلا و نکبت اندازد، یا



الزَّمَانُ، أَوْ يَتَهَضَّمْنَا السُّلْطَانُ؛ ﴿٦﴾ وَنَعُوذُ بِكَ

پادشاه بر ما جور و ستم روا دارد. (٦) و به تو پناه می‌آوریم، از

مِن تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَمِنْ فَقْدَانِ الْكِفَافِ؛

رسیدن به اسراف، و از دست دادن آنچه که در زندگی به اندازه و کافی

﴿٧﴾ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ الْفَقْرِ

است (٧) و به تو پناه می‌آوریم از سرزنش دشمنان و از احتیاج به

إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَمَيْتَةٍ عَلَى

هم نوعان، و از معیشت در سختی، و از مرگ

غَيْرِ عُدَّةٍ؛ ﴿٨﴾ وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعَظْمَى،

بدون توشه. (٨) و به تو پناه می‌آوریم، از حسرت عظیم‌تر

وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَأَشَقَى الشَّقَاءِ، وَسَوْءِ

و بلای بزرگ‌تر، و بدترین بدبختی و بدی

الْمَأْبِ، وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَحُلُولِ الْعِقَابِ.

بازگشت، و محرومیت از ثواب، و داخل شدن مجازات.

﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْ

(٩) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و مرا و تمام

كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ، وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

مؤمنین و مؤمنات را به رحمتت از همه این امور زشت

وَالْمُؤْمِنَاتِ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پناه ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِشْتِيَاقِ إِلَى طَلَبِ

دعای امام سجاد علیه السلام در شوق به طلب

الْمَغْفِرَةِ، مِنْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ

آمرزش از خدای بزرگ

﴿١﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَيِّرْنَا إِلَى

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و راه ما را به جانب توبه که

مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ، وَأَزِلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنْ

محبوب توست تغییر ده، و وجودمان را از پافشاری بر گناه که مورد نفرت

الِإِصْرَارِ.

توست، دور ساز.

﴿٢﴾ اللَّهُمَّ وَمَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينِ

(۲) خدایا! هر گاه در ارتباط با دین یا دنیا، میان دو کاهش قرار

أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً،

گرفتیم، کاهش را بر دنیایمان که زودتر از دست می‌رود، وارد کن، و

وَاجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً؛ ﴿٣﴾

توبه و انابه را در دینمان که با دوام‌تر است قرار ده.

وَإِذَا هَمَّ مَنَابِهَمَيْنِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا،

و زمانی که دو برنامه را قصد کردیم که یکی از آنها تو را از ما خشنود می‌کند،



وَيْسُخِطُكَ الْآخِرُ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ
و آن دیگری تو را بر ما خشمگین می‌سازد، ما را به جانب آن کاری که تو را از ما
عنا، وَاوْهِن قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا،
خشنود می‌کند، رغبت ده، و قدرت و توانمان را از عملی که تو را بر ما خشمگین
وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفُوسِنَا وَ اِخْتِيَارِهَا، فَانْهَآ
می‌کند، سست کن و در این امور ما را میان نفوسمان و انتخابشان رها مکن که
مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ، أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ
نفس انتخاب کننده باطل است، مگر آن که تو در انتخاب حق توفیقش دهی، و
إِلَّا مَا رَحِمْتَ.

فراوان دستور دهنده به زشتی و بدی است، مگر آن که رحمتش آری.

﴿٤﴾ اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا،
(۴) خدایا! ما را از ناتوانی آفریدی،

وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَمِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا،
و بر سستی بنا کردی، و از آب ناچیز و بی‌مقدار به وجود آوردی؛
فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ؛
پس ما را جز به نیروی تو چاره و تدبیر نیست، و جز به یاریت قوت و قدرت نمی‌باشد؛

فَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَسَدَّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ، وَأَعْمِ
پس ما را به توفیق تو نیرو بخش و به هدایتت استوار دار، و دیده قلوبمان
أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ، وَلَا تَجْعَلْ
را از آنچه مخالف عشق توست کور کن، و برای هیچ یک از



لِشَیْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نَفُوذًا فِی مَعْصِيَتِكَ.

اعضای ما راه نفوذی به جانب معصیتت قرار مده.

﴿٥﴾ اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَاجْعَلْ

(٥) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و رازهای دلمان

هَمَسَاتِ قُلُوْبِنَا، وَ حَرَكَاتِ اَعْضَائِنَا،

و حرکات اعضامان، و نگاههای چشم‌هایمان، و گفتارهای

وَلَمَحَاتِ اَعْيُنِنَا، وَلَهَجَاتِ السِّنِّتِنَا فِی مَوْجِبَاتِ

زبانمان را در موجبات ثوابت قرار ده، تا جایی که کار نیکی

ثَوَابِكَ، حَتّٰی لَا تَفُوْتَنَا حَسَنَةٌ نَّسْتَحِقُّ بِهَا

که به خاطر آن مستحق پاداش تو می‌شویم، از دست ما

جَزَاءُكَ، وَلَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَّسْتَوْجِبُ بِهَا

نرود و کار بدی که به سبب آن سزاوار مجازاتت می‌شویم،

عِقَابِكَ.

برای ما ماند.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ فِي اللَّجَائِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

دعای امام سجاد علیه السلام در پناه بردن به خداوند متعال

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنْ تَشَاءُ تَعْفُ عَنَّا فَبِضْلِكَ، وَإِنْ تَشَاءُ

(۱) خدایا! اگر بخواهی ما را عفو کنی، به فضل و احسانت عفو می‌کنی، و اگر

تُعَذِّبْنَا فَبِعَذَابِكَ، فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَتِّكَ،

بخواهی عذابمان کنی، به عدالتت عذاب می‌کنی. عفو را از سر منتت بر ما آسان

وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ

کن، و ما را به چشم پوشی و گذشتت، از عذابت پناه ده. مسلماً ما را نسبت به

لَنَا بِعَذَابِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ؛ ﴿۲﴾

عدالتت تاب و توان نیست، و برای احدی از ما بدون عفو، نجاتی میسر نمی‌باشد.

يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ،

(۲) ای بی‌نیازترین بی‌نیازان! اینک ما بندگان پیش روی توایم، و من تهیدست‌ترین

وَإِنَّا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوَسْعِكَ،

تهیدستان در پیشگاه توام. تهیدستی و نداری ما را، به تواناییت جبران کن، و امید ما

وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ

را به بازدارندگی قطع مفرما! که اگر چنین کنی، به تحقیق کسی که خود را به تو

مَنْ اسْتَسْعَدَ بِكَ، وَحَرَمْتَ مَنْ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ،

خوشبخت خواسته، بدبخت کرده‌ای، و آن که فضل و احسانت را طلبیده، محروم



فَالِي مَنْ حِينِيذٍ مُنْقَلَبْنَا عَنْكَ؟! وَإِلَى أَيْنَ مَذْهَبْنَا

ساخته‌ای. در این وقت از پیشگاه تو، به سوی چه کسی بازگردیم و با محرومیت از

عَنْ بَابِكَ؟! ﴿٣﴾ سُبْحَانَكَ، نَحْنُ الْمُضْطَّرُّونَ الَّذِينَ

در رحمت، راه ما به کجا خواهد افتاد؟ (۳) پاک و منزهی. ما درماندگانی هستیم

أَوْجَبَتْ إجابَتَهُمْ، وَأَهْلُ السَّوِّ الَّذِينَ وَعَدْتَ

که پذیرش دعایشان را واجب کرده‌ای، و گرفتارانی هستیم که برطرف کردن گرفتاری

الْكَشْفِ عَنْهُمْ، وَأَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَأَوْلَى

آنان را وعده فرموده‌ای. خدایا! شبیه‌ترین چیزها به خواسته‌ات و سزاوارترین امور به

الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ، رَحْمَةٌ مِنْ أَسْتَرْحَمَكَ،

حضرت، در عرصه عظمت و بزرگیت، رحمت آوردن بر کسی است که از تو رحمت

وَعَوْتُ مِنْ اسْتَعَاثَ بِكَ، فَأَرْحَمُ تَضَرُّعِنَا إِلَيْكَ،

خواسته، و فریادرسی نسبت به کسی است که به تو فریاد خواهی کرده، پس زاری ما

وَأَعْنَانِ إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ.

را به پیشگاهت رحمت آر و به فریاد ما رس؛ چون وجودمان را در برابرت انداخته‌ایم.

﴿٤﴾ اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَاعِنَاهُ عَلَيَّ

(۴) خدایا! شیطان ما را سرزنش کرد؛ چون او را در نافرمانیت همراهی کردیم. پس بر

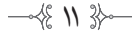
مَعْصِيَتِكَ؛ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَشْمِتْهُ

محمد و آلش درود فرست، و پس از این که او را به خاطر تو رها کردیم و از او روی

بِنَا بَعْدَ تَرْكِنَا إِلَيْهِ لَكَ، وَرَغِبْنَا عَنْهُ إِلَيْكَ.

گردانده، به سوی تو آمدیم، وی را با دوباره گرفتار شدن به دست او شیرین کام مکن.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ

دعای امام سجاد علیه السلام در طلب عاقبت به خیری

﴿۱﴾ يَا مَنْ ذَكَرَهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ شُكِرَهُ

(۱) ای آن که یادش، برای یادکنندگان مجد و بزرگواری است، و ای آن که سپاس

فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ طَاعَتْهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ،

گزاریش، برای سپاس گزاران پیروزی و رستگاری است، و ای آن که فرمان برداریش

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ

برای فرمانبرداران، نجات و رهایی است! بر محمد و آلش درود فرست، و دل‌های

عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَالسِّدْتَنَا شُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ،

ما را به یادت از هر یاد، و زیباتمان را به سپاس گزاریت از هر سپاسی،

وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ؛ ﴿۲﴾ فَإِنْ

و اعضامان را به طاعتت از هر طاعتی غافل کن. (۲) و اگر

قَدَّرْتَ لَنَا فِرَاغًا مِنْ شُغْلٍ، فَاجْعَلْهُ فِرَاغَ سَلَامَةٍ

در جنب کار و کوشش، فراغت و آسایشی برای ما مقدر فرموده‌ای، آن فراغت و آسایش را

لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبَعَةٌ، وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَةٌ، حَتَّىٰ

قرین سلامت قرارده که در عرصه گاه آن، پی آمد بدی به ما نرسد، و ملالت و دل‌تنگی به ما

يُنْصَرَفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ، بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ

نیبوندد، تا فرشتگان نویسنده بدی‌ها، با پرونده‌های پاک و خالی



مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَيَتَوَلَّى كِتَابَ الْحَسَنَاتِ عَنَّا

از ثبت بدی‌های ما برگردند، و فرشتگان نویسنده خوبی‌ها،

مَسْرُورِينَ، بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا؛ ﴿۳﴾ وَإِذَا

به سبب خوبی‌هایی که از ما نوشته‌اند، خوشحال و شادان باز آیند. (۳) و

انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا،

هنگامی که روزگار زندگی‌مان سپری شود، و مقدار عمرمان بگذرد و به پایان برسد

وَاسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَمِنْ

و دعوتت به مرگ که چاره از آن و اجابتش نیست، ما را آماده افتادن

إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خِتَامَ

به کام مردن کند. پس بر محمد و آلش درود فرست، و پایان آنچه نویسدنگان

مَا تَحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَةَ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً،

اعمال ما در پرورده ما خواهند نوشت، توبه پذیرفته شده قرار بده،

لَا تَوْفِقُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَلَا مَعْصِيَةً

توبه‌ای که پس از آن ما را بر گناهی که کسب کرده‌ایم و معصیتی که مرتکب شده‌ایم،

اِقْتَرَفْنَاهَا. ﴿۴﴾ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِرَّاسْرَتَهُ عَلَيَّ

نایستانی. (۴) و پرده‌ای که بر ما پوشاندی، در برابر حاضران روز قیامت، از روی

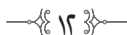
رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ؛ إِنَّكَ

گناهان ما بر نداری، روزی که خبرهای بندگان را آشکار می‌کنی. مسلماً تو نسبت به

رَحِيمٌ يُّمِّنُ دَعَاكَ، وَمُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.

کسی که می‌خواندت، مهربانی و نسبت به کسی که صدایت می‌زند، جواب دهنده‌ای.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِرَافِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در اعتراف به گناه

وَوَطَّلِبُ التَّوْبَةَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

و درخواست بازگشت به حق



﴿١﴾ اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْبُبُنِي عَنْ مَسَالَتِكَ خِلَالَ

(۱) خدایا! مسلماً سه خصلت، مرا از درخواست از حضرتت مانع می‌شود، و يك

ثَلَاثٌ، وَتَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ؛

خصلت، مرا به جانب درخواست از تو پیش می‌برد. (آن سه خصلتی که مانع درخواست

يَحْبُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَنَهَى

من می‌باشد این است): ۱- کار خوبی که مرا به آن فرمان دادی، و من در انجامش کندي

نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَنِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا

کردم. ۲- کار زشتی که مرا از آن بازداشتی، و من در ارتکابش شتاب ورزیدم. ۳- نعمتی

عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا.

که به من دادی، و من در سپاس گزاریش کوتاهی کردم.

﴿٢﴾ وَيَحْدُونِي عَلَى مَسَالَتِكَ، تَفْضُلِكَ عَلَيَّ مِنْ

(۲) آنچه مرا به جانب درخواست از تو پیش می‌برد، احسان توست به کسی که بانیت

أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَوَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ، إِذْ

خالص به سوی تو آمد، و باخوش گمانیش به پیشگاه حضرتت وارد شد؛ زیرا امام احسانت

جَمِيعِ إِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ، وَإِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ؛

تفضل و همه نعمت، آغاز و ابتدایی از جانب تو نسبت به آفریده‌هاست.

﴿۳﴾ فَهَا أَنَا ذَا - يَا إِلَهِي - وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّكَ،

(۳) ای معبود من! اینک منم که به پیشگاه عزت ایستاده‌ام؛

وُوقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِيلِ، وَ سَائِلُكَ عَلَى

ایستادن فرمان‌بردار خوار، و بر اساس حیا و شرمم

الْحَيَاءِ مِنِّي سُؤَالَ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ، مُقِرُّكَ

از تو درخواست کننده‌ام، درخواست کننده بی‌نوی عیال‌وار. اقرار دارم

بِأَنِّي لَمْ أَسْتَسْلِمِ وَقْتِ إِحْسَانِكَ، إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنِ

به این که هنگام احسانت، جز برکنار ماندن از

عِصْيَانِكَ، وَ لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ

نافرمانیت، فرمانی نبرده‌ام، و در تمام حالات از نیکی و احسانت،

امْتِنَانِكَ؛ ﴿۴﴾ فَهَلْ يَنْفَعُنِي - يَا إِلَهِي - إِقْرَارِي

بی‌بهره نبودم. (۴) ای معبود من! اقرارم نزد تو به زشتی اعمالی که

عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِينِي

مرتکب شده‌ام، آیا برایم سودی خواهد داشت؟ و اعترافم به محضر

مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ، بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ، أَمْ

حضرتت به بدی کرداری که از من صادر شده، آیا مرا از عذاب تو نجات خواهد داد؟

أَوْ جَبَّتْ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطُكَ، أَمْ لَزِمَنِي

یا در این وضعی که هستم، خشم و غضبت را بر من حتم و واجب نمودی،



فِي وَقْتِ دُعَايِ مَقْتِكَ؟

یا در وقت درخواستم، دشمنیت ملازم من گشته؟!

﴿۵﴾ سُبْحَانَكَ، لَا أَيْسُ مِنْكَ، وَقَدْ فَتَحْتَ لِي

(۵) پاک و منزهی، از تو ناامید نمی‌شوم و حال آن که در توبه به محضرت

بَابِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ، بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ

را به رویم گشوده‌ای؛ بلکه سخن می‌گویم، سخن بنده‌ای خوار؛ بنده‌ای

الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ، الْمُسْتَخْفِ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ،

ستم کننده به خویش؛ بنده‌ای که حرمت پروردگارش را سبک شمرده؛

الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ، وَأَدْبَرَتْ أَيَّامُهُ

بنده‌ای که گناهانش بزرگ شده و روی هم انباشته گشته و روزگارش از او روی گردان

فَوَلَّتْ، حَتَّىٰ إِذَا رَأَىٰ مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ،

شده، و به او پشت کرده، تا جایی که چون نظر می‌کند، می‌بیند زمان عمل سپری

وَعَايَةَ الْعُمُرِ قَدْ انْتَهَتْ، وَآيِقِنَنَّ أَنَّهُ لَا مَحِيصَ لَهُ

شده، و نهایت عمر به پایان رسیده. یقین می‌کند که برای او گریزگاهی از عذابت، و

مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ لَهُ عَنكَ، ﴿٦﴾ تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ،

پناهگاهی از کیفیت وجود ندارد. (۶) همراه انابه و ناله با حضرتت روبه‌رو می‌شود

وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ

و بازگشت و توبه را برای تو خالص می‌کند، پس با دلی پاک و پاکیزه در پیشگاهت

نَقِيٍّ، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِيِّ، قَدْ تَطَاطَأَ

می‌آیستد. سپس با ناله‌ای سوزناک و آهسته تو را می‌خواند. در جائی که در برابرت،



لَكَ فَانْحِنِي، وَنَكَّسَ رَأْسَهُ فَاثْنَى، قَدْ

سر تواضع و فروتنی پایین انداخته، تا جایی که خمیده گشته و از خواری سر به زیر

آرَعَشْتَ خَشِيئَتَهُ وَرَجَلِيهِ، وَغَرَّقْتَ دُمُوعَهُ

افکنده؛ به طوری که قامت راستش کج شده، بیم و ترسش از عظمت تو، قدم‌هایش

خَدَّيْهِ، يَدْعُوكَ بِيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ

را به لرزه انداخته، و اشک‌هایش صفحه رخسارش را فراگرفته. تو را با این جملات

مَنْ اتَّابَهُ الْمُسْتَرْحِمُونَ، وَيَا أَعْطَفَ مَنْ

می‌خواند: ای مهربان‌ترین مهربانان! و ای رحیم‌ترین کسی که درخواست کنندگان

أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، وَيَا مَنْ عَفُوهُ أَكْثَرُ

رحمت به او توجّه می‌کنند، و ای عطوف‌ترین کسی که آمرزش خواهان گرد او گردند،

مِنْ نَقْمَتِهِ، وَيَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ،

و ای آن که گذشتش از انتقامش بیشتر، و خشنودیش از خشمش افزون‌تر است.

﴿٧﴾ وَيَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ،

(٧) و ای آن که باگذشت نیکویش ستوده بودنش را به مخلوقش

وَيَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ، وَيَا مَنْ

می‌نمایاند، و بندگان را به پذیرفتن توبه عادت می‌دهد،

اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ، وَيَا مَنْ رَضِيَ مِنْ

و اصلاح شدن تباه کاری‌شان را به توبه می‌خواهد، و ای آن که از عمل

فِعْلِهِم بِالْيَسِيرِ، وَيَا مَنْ كَفَى قَلِيلَهُم بِالكَثِيرِ،

بندگان، به اندکش خشنود است، و عمل اندک آنان را پاداش فراوان می‌دهد.



وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إجابةَ الدُّعَاءِ، وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ
و ای آن که اجابت دعایشان را ضامن شده، و به احسانش،
عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضُلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ.

پاداش نیکو را به آنان وعده داده.

(۸) مَا أَنَا بِأَعْصَىٰ مَن عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ،

(۸) خدایا! من نه از گناهکارترین گناهکارانم که او را آمرزیده‌ای، و نه از نکوهیده‌ترین

وَمَا أَنَا بِالْوَمِّ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ،

کسانی که از پیشگاهت عذر خواسته‌اند، و تو عذرشان را پذیرفته‌ای، و نه از

وَمَا أَنَا بِأَظْلَمَ مَن تَابَ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ.

ستم کارترین کسانی که به سویت بازگشته‌اند، و تو بازگشتشان را قبول کرده‌ای.

(۹) أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَىٰ مَا

(۹) خدایا! در این مقام و وضعی که هستم، به درگاهت توبه می‌کنم؛ توبه

فَرَطٌ مِنْهُ، مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ، خَالِصِ

پشیمانی که بی اختیار گناهی از او سرزده و از آنچه بر سرش آمده، در وحشت

الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ، عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ

و ترس است، و از امور زشتی که در آن افتاده خالصانه شرمگین است. دانایم به

الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاطَمُكَ، ﴿۱۰﴾ وَأَنَّ التَّجَاوُزَ عَنِ

این که گذشت از گناه بزرگ، در نظرت بزرگ نمی‌آید، (۱۰) و بخشیدن معصیت

الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَصْعِبُكَ، وَأَنَّ احْتِمَالَ

گران بر تو سخت نمی‌باشد. و تحمل جنایات زشت و ناپسند که از مردم بدکار



الْجِنَايَاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَادُكَ، وَأَنَّ أَحَبَّ

صادر می شود، تو را به مشقت و زحمت نمی اندازد. و آگاهم به این که محبوب ترین

عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ،

بندگانند نزد تو کسی است که از سرکشی و تکبر نسبت به تو دست بردارد، و از

و جَانِبِ الْإِصْرَارِ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ؛ ﴿۱۱﴾ وَأَنَا

پافشاری بر گناه اجتناب کند و استغفار را بر خود واجب بداند. (۱۱) من از

أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ،

این که در برابر تو سرکشی کنم بیزارم، و از این که بر گناه پافشاری ورزم، به

وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيَّ

تو پناه می آورم، و نسبت به آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می خواهم، و

مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

بر آنچه از انجامش عاجزم، از تو یاری می طلبم.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي

(۱۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و حقوقی که بر عهده من

مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ، وَعَافِنِي مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ،

داری بر من ببخش، و از عذابی که از جانب تو سزاوار آنم، مرا به سلامت

وَأَجِرْنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَةِ، فَإِنَّكَ مَلِيٌّ

دار، و از اموری که بدکاران از آن می ترسند پناهم ده. مسلماً به گذشت

بِالْعَفْوِ، مَرَجُوهٌ لِلْمَغْفِرَةِ، مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ، لَيْسَ

از گنهکار قدرت داری و برای آمرزش، مورد امیدی، به بخشیدن معصیت



لِحَاجَتِي مَطْلَبٌ سِوَاكَ، وَلَا لِذَنْبِي غَافِرٌ غَيْرُكَ،

معروفی، برای حاجتم محلّ طلبی جز تو نیست، و برای گناهم، آمرزنده‌ای

حَاشَاكَ وَلَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ؛ إِنَّكَ

غیر تو وجود ندارد. حاشا که چنین نباشی، من بر خود به غیر تو نمی‌ترسم. تو

أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ؛ ﴿۱۳﴾ صَلِّ عَلَيَّ

اهل تقوا و آمرزشی. (۱۳) بر محمد و آل محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْضِ حَاجَتِي، وَأَنْجِحْ

درود فرست. و حاجتم را روا کن و خواسته‌ام را برآور

طَلِبَتِي، وَاغْفِرْ ذَنْبِي، وَأَمِنْ خَوْفِ نَفْسِي؛

و گناهم را بیامرز، و ترسم را ایمنی ده. همانا تو بر هر چیز توانایی، و اموری

إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.

که از تو خواستم، روا کردنش برای تو آسان است. دعایم را مستجاب کن

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

دعای امام سجاد علیه السلام در درخواست نیازمندی‌ها از خداوند متعال

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ، وَيَا

(۱) خدایا! ای نهایت خواستن حاجات،

مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ، وَيَا مَنْ لَا يَبِيعُ

و ای آن که رسیدن به تمام خواسته‌ها به دست قدرت اوست، و ای آن که

نِعْمَهُ بِالْإِثْمَانِ، وَيَا مَنْ لَا يُكْدِرُ عَطَايَاهُ

نعمت‌هایش را به بها و قیمت نمی‌فروشد، و ای آن که بخشش‌هایش را،

بِالْإِمْتِنَانِ، وَيَا مَنْ يُسْتَعْفَى بِهِ وَلَا يُسْتَعْفَى

به منت گذاشتن، تیره و ناصاف نمی‌کند، و ای آن که به او بی‌نیاز می‌شود،

عَنْهُ، وَيَا مَنْ يُرْغَبُ إِلَيْهِ وَلَا يُرْغَبُ عَنْهُ،

و از او بی‌نیاز نمی‌شوند، و ای آن که به او رغبت می‌کنند، و از او

وَيَا مَنْ لَا تُفْنَى خَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ، وَيَا مَنْ

روی برنتابند، و ای آن که درخواست‌ها، گنج‌هایش

لَا تُبَدَّلُ حِكْمَتُهُ الْوَسَائِلُ، وَيَا مَنْ لَا تَقْطَعُ

را از بین نمی‌برد، و دست آویزها، حکمتش را تغییر نمی‌دهد،

عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يُعْنِيهِ دُعَاءُ

و رشته حوائج نیازمندان از او قطع نمی‌شود،



الدَّاعِيْنَ.

و دعای دعا کنندگان او را خسته و درمانده نمی‌کند.

﴿۲﴾ تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَاءِ عَنِ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ أَهْلُ

(۲) وجودت را به بی‌نیازی از همه آفریده‌ها ستوده‌ای، و حضرتت به بی‌نیازی

الْغِنَى عَنْهُمْ، وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ، وَ هُمْ

از آنها شایسته است. آفریده‌ها را به نیازمندی نسبت داده‌ای، و آنان هم

أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ؛ ﴿۳﴾ فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ

بی‌چون و چرا نیازمند به تو هستند. (۳) پس کسی که ترمیم خلأ و شکاف

مِنْ عِنْدِكَ، وَ رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ،

زندگیش را از تو بخواهد، و تغییر تهیدستی و فقرش را از تو درخواست کند،

فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا، وَ أَتَى طَلِبَتَهُ

محققاً حاجتش را از جایگاه اصل‌اش خواسته و به دنبال مطلبش، از راه

مِنْ وَجْهِهَا؛ ﴿۴﴾ وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ

صحيح و درستش آمده، (۴) و کسی که برای حاجتش به یکی از آفریده‌های

مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نَجْحِهَا دُونَكَ،

تو رو کند، یا او را به جای تو وسیله رسیدن به نیازش قرار دهد، محققاً

فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ، وَ اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ

خود را در معرض محرومیت قرار داده، و سزاوار از دست رفتن احسان تو

فَوْتَ الْإِحْسَانِ.

گشته است.



(۵) اَللّٰهُمَّ وَ لِيْ اِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا

(۵) خدایا! برای من در پیشگاه حضرتت حاجتی است که دست طاقت و توانم، از

جُهِدِيْ ، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيَلِيْ ، وَ سَوَّلَتْ

دست یابی به آن کوتاه است، و رشته چاره‌ام، بدون لطف تو بریده است، و تَفَسَّم

لِيْ نَفْسِيْ رَفَعَهَا اِلَى مَنْ يَّرْفَعُ حَوَائِجَهُ اِلَيْكَ ،

در نظرم چنین آراسته که رفع نیازم را از کسی بخوام که رفع نیازهایش را از تو

وَلَا يَسْتَعْنِيْ فِيْ طَلِبَاتِهِ عَنكَ ، وَ هِيَ زَلَّةٌ مِّنْ

می‌خواهد، و در حاجاتش از تو بی‌نیاز نیست. این درخواست حاجت از غیر تو

زَلَلِ الْخَاطِئِيْنَ ، وَ عَثْرَةٌ مِّنْ عَثْرَاتِ الْمُذْنِبِيْنَ ؛

لغزشی است، از لغزش‌های خطاکاران، و افتادنی است، از افتادن‌های گناهکاران.

(۶) ثُمَّ اَنْتَبَهْتُ بِتَذْكِيْرِكَ لِيْ مِّنْ غَفْلَتِيْ ،

(۶) آن گاه به یادآوری تو، از خواب غفلت بیدار شدم و به توفیق تو از عرصه گاه

وَتَهَضُّتُ بِتَوْفِيْقِكَ مِّنْ زَلَّتِيْ ، وَ رَجَعْتُ وَ نَكَّصْتُ

لغزشم برخاستم و به راهنمایی تو از افتادنم به وادی خطر پس آمدم، و از

بِتَسْدِيْدِكَ عَنِ عَثْرَتِيْ ، وَ قُلْتُ : سُبْحَانَ رَبِّيْ ،

علل در افتادن به گمراهی دست برداشتم، و گفتم: منزه و پاک است پروردگارم،

كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُّحْتَاجًا؟ وَ اَنْنِيْ يَرِغْبُ مُعْدِمٌ

چگونه نیازمندی از نیازمند دیگر طلب حاجت کند، و از کجا تهی دستی به

اِلَى مُعْدِمٍ؟ (۷) فَقَصَّدْتُكَ - يَا اِلٰهِيْ - بِالرَّغْبَةِ ،

تهی دستی دیگر میل و رغبت نشان دهد؟! (۷) روی این حساب، با اشتیاق و



وَأَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثِّقَّةِ بِكَ، وَعَلِمْتُ

شوق، آهنگ تو کردم، و از باب اطمینان به تو، امیدم را به جانب حضرتت آوردم،

أَنَّ كَثِيرًا مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرًا فِي وُجْدِكَ، وَأَنَّ

و دانستم آنچه را از تو می‌خواهم، هر چند زیاد باشد، در کنار دارایت اندک

خَطِيرًا مَا أَسْتَوْهَبُكَ حَقِيرًا فِي وَسْعِكَ، وَأَنَّ

است، و چیزهای با ارزشی که بخشش را از تو درخواست می‌کنم، در جنب

كَرَمِكَ لَا يَضِيقُ عَنِ سُؤَالِ أَحَدٍ، وَأَنَّ

توانایت کوچک و بی‌مقدار است، و دایره کرم و بزرگواریت با تقاضای هیچ کس

يَدُكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ.

تنگ نمی‌شود، و دست بخشندگیت از هر دستی برتر است.

(۸) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ، وَاحْمِلْنِي

(۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به کرم و بزرگواریت بر دست یافتن به

بِكْرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ، وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى

احسانت کمک فرما، و از باب عدالتت بر کیفری که سزاوار آنم دچار مکن. من اولین

الْإِسْتِحْقَاقِ؛ فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ

رغبت کننده‌ای نیستم که به حضرتت رو آورده، پس به او عطا کرده‌ای، و حال آن که

فَاعْطَيْتَهُ، وَهُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنَعَ، وَلَا بِأَوَّلِ سَائِلٍ

سزاوار ممنوع شدن از عطایت بوده، و اولین خواهنده‌ای نیستم که از تو طلب حاجت

سَأَلْتُكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ، وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ.

کرده و تو بر او احسان کرده‌ای در حالی که مستحق محرومیت از احسان توست.



﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكُنْ لِدُعَائِي

(٩) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مستجاب کننده

مُجِيبًا، وَمِنْ نِدَائِي قَرِيبًا، وَلِتَضَرُّعِي رَاحِمًا،

دعایم باش و به ندایم توجه کن، و به زاریم رحمت آر،

وَلِصَوْتِي سَامِعًا؛ ﴿١٠﴾ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ،

و صدایم را شنو باش، (١٠) و امیدم را از حضرتت قطع مکن،

وَلَا تَبْتِ سَبَبِي مِنْكَ، وَلَا تُوجِّهْنِي فِي حَاجَتِي،

و دست آویز مرا از خود جدا مساز، و در این حاجتم و دیگر حوایجم،

هَذِهِ وَغَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ؛ ﴿١١﴾ وَتَوَكَّلْنِي بِنُجْحِ

مرا به سوی غیر خودت روانه مکن، (١١) و به برآورده شدن

طَلَبَتِي، وَقَضَاءِ حَاجَتِي، وَنَيْلِ سُؤْلِي، قَبْلَ

خواستهام، و روا شدن حاجتم و رسیدن به مطلبم، پیش از

زَوَالِي عَنِ مَوْقِفِي هَذَا، بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرَ،

برخاستن از جایم و با آسان ساختن مشکلکم و با سرنوشت خوبی که

وَحُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ؛ ﴿١٢﴾ وَصَلِّ

در تمام امور برایم رقم می‌زنی، کار ساز من باشد. (١٢) و بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً، لِأَنْقِطَاعِ

و آلش درود فرست؛ درودی دائمی و فزاینده که برای مدتش

لِأَبْدِهَا، وَلَا مُنْتَهَى لِأَمْدِهَا؛ وَاجْعَلْ ذَلِكَ

انقطاعی، و برای زمانش پایانی نباشد. این درود را برایم مدد، و



عَوْنَالِي، وَسَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي؛ إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

جهت برآورده شدن حاجتم سبب قرار ده؛ همانا تو واسع و کریمی

وَمِنْ حَاجَتِي - يَا رَبِّ - كَذَا وَكَذَا، ...

و ای پروردگارم! از جمله درخواست‌هایم چنین و چنان است.

(وَتَذَكَّرُ حَاجَتَكَ، ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ:)

(و نیاز به درخواست را می‌گویی، سپس به سجده می‌روی، و در سجده‌ات می‌گویی:)

فَضْلِكَ أَسْنَى، وَإِحْسَانِكَ دَلْنِي، فَاسْأَلْكَ بِكَ

عطا و بخشش به من آرامش می‌دهد، و احسانت راهنماییم می‌کند. به حق خودت و به حق

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ - أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا.

محمد و آلش که درودت بر آنان باد، از تو می‌خواهم که مرا از پیشگامت ناامید برنگردانی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَدَى عَلَيْهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام هرگاه ستمی به او می‌رسید

أَوْ رَأَى مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ

یا از ستمگران چیزی را که خوش نداشت می‌دید

﴿۱﴾ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ،

(۱) ای آن که اخبار شاکیان از ستم بر او پنهان نیست! و ای آن که نسبت

وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ

به ستمی که بر ستم دیدگان رفته، نیاز به شهادت شاهدان ندارد! و ای آن

الشَّاهِدِينَ، وَيَا مَنْ قَرَّبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ المَظْلُومِينَ،

که یاری و نصرتش به ستم دیدگان نزدیک، و مددکاریش از ستمگران دور است!

وَيَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ، ﴿۲﴾ قَدْ عَلِمْتَ

(۲) ای خدای من! محققاً می‌دانی، از فلانی فرزند فلانی ستمی به من رسیده که او را از آن

يَا إِلَهِي - مَا نَالَنِي مِنْ (فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ) مِمَّا حَظَرْتَ،

ستم نهی کردی، و پرده حرمتم را دریده که دریدنش را بر او منع فرمودی. این ستمگری

وَانتَهَكَهُ مِنِّي مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، بَطْرًا فِي

و پرده‌داری، از باب طغیان در نعمت توست که در اختیار اوست، و براساس غفلت و

نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ، وَاغْتِرَارًا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ.

بی‌اعتنائی به خشم و غضب توست که گریبان او را خواهد گرفت.



(۳) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخُذْ

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ستم‌کننده بر من و دشمنم را با نیرویت از

ظالمی و عدوی عن ظلمی بِقُوَّتِكَ،

ستم بر من بازدار، و با قدرتت تندی و تیزی ستمش را بر من بشکن، و برایش در آنچه

وَ أَفْلُحْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَ اجْعَلْ لَهُ

که دوست دارد، مشغولیت و سرگرمی قرار ده، تا از ستم ورزی غافل گردد، و بر وجودش

شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَ عَجْرًا عَمَّا يَنْوِيهِ.

در برابر مظلومی که به دشمنی برمی‌خیزد، داغ عجز و ناتوانی زن.

(۴) اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ لَا تُسَوِّغْ

(۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست. و ستم کار را رخصت

لَهُ ظَلْمِي، وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي، وَ اعْصِمْنِي

ستم بر من مده، و یاریت را نسبت به من، در برابر او نیکو

مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ.

قرار ده، و مرا از دست زدن به کارهایی مانند کار او حفظ کن.

(۵) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَعِدْنِي

و در حالتی مانند حال او قرار مده. (۵) خدایا! بر محمد و آلش

عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيظِي بِهِ

درود فرست و مرا بر دشمنم یاری ده؛ یاری دادن بی‌درنگی که خشمم را

شِفَاءً، وَ مِنْ حَنْقِي عَلَيْهِ وَفَاءً.

نسبت به او شفا، و کینه‌ام را در برابر او وفا باشد.



(۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَوِّضْنِي

(۶) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و عفو و بخششت را، در برابر ستمی

مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوِكَ، وَأَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيْعِهِ بِي

که دشمن به من روا می‌دارد عوض ده و به جای رفتار بدش نسبت به من،

رَحْمَتِكَ، فَكُلُّ مَكْرُوهِ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ،

رحمتت را قرار ده، پس هر شدتی ورای خشم تو ناچیز، و هر بلایی با وجود

وَكُلُّ مَرْزِيَّةٍ سِوَاءٍ مَعَ مَوْجِدَتِكَ.

غضب تو معتدل است.

(۷) اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلِمَ،

(۷) خدایا! همان طور که ستم کردن دیگران را بر من در نظرم ناخوشایند

فَقِنِي مِنْ أَنْ أُظْلِمَ.

جلوه دادی، مرا از این که بر دیگران ستم ورزم حفظ فرما.

(۸) اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَيَّ أَحَدٍ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ

(۸) خدایا! به کسی غیر تو شکایت نمی‌کنم، و از هیچ حاکمی غیر

بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ؛ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ

تو یاری نمی‌خواهم؛ حاشا که چنین کنم. پس بر محمد و آلش درود

وَآلِهِ، وَصِلْ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَاقْرِنْ شِكَايَتِي

فرست و دعایم را به اجابت برسان، و شکایتم را به تغییر وضع فعلی‌ام

بِالتَّغْيِيرِ

مقرون ساز.



﴿٩﴾ اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِي بِالْقَنُوطِ مِنْ أَنْصَافِكَ،

(۹) خدایا! مرا به ناامیدی از عدل و انصاف آزمایش نکن، و دشمن را به

وَلَا تَفْتِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ أَنْكَارِكَ، فَيُضِرَّ عَلَيَّ

ایمنی از کيفرت امتحان مفرما تا بر ستمش نسبت به من پافشاری کند، و

ظُلْمِي، وَيُحَاضِرُنِي بِحَقِّي، وَعَرَفَهُ عَمَّا قَلِيلٍ

بر حَقَم چیره شود، و به زودی او را به عذابي که ستمکاران را به آن تهدید

مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ، وَعَرَفَنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ

کردی آشنا کن، و مرا با اجابتي که نسبت به دعای بیچارگان وعده

إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ.

دادی آگاه فرما.

﴿١٠﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّعْنِي

(۱۰) خدایا! بر مُحَمَّد و آلش درود فرست، و مرا به پذیرفتن هر سود و زیانی که

لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ، وَرَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ

برایم مقدور کرده‌ای موفق دار، و مرا به آنچه از دیگری برای من، و از من برای

لِي وَمِنِّي، وَاهْدِنِي لِلتِّي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمَلْنِي

دیگری می‌ستایی، خشنود ساز، و به راست‌ترین راه هدایتم کن، و به سالم‌ترین

بِمَا هُوَ أَسْلَمٌ.

برنامه به کارم گمار.

﴿١١﴾ اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي

(۱۱) خدایا! اگر خیر من نزد تو در این است که در گرفتن حَقَم تأخیر افتد و



تَأخِيرِ الْأَخْذِ لِي، وَتَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي

انتقام از کسی که به من ستم روا داشته، تا روز جدا شدن حق از باطل و جایگاه

إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ، وَجَمَعَ الْخَصْمَ؛ فَصَلَ عَلَيَّ

گرد آمدن مدعیان متروک گذاشته شود، همان را در حق من عملی فرما. پس بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَيِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ، وَصَبْرٍ

محمد و آلش درود فرست، و مرا از جانب خود، به نیت صادقانه، و پایداری

دَائِمٍ، وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ، وَهَلَعَ أَهْلَ

همیشگی یاری فرما، و از میل و رغبت بد و بی‌قراری اهل

الْحَرِصِ، وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي

حرص پناه ده و نقشی از ثوابی که برای من ذخیره کرده‌ای،

مِنْ ثَوَابِكَ، وَأَعِدِّتْ لِخَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ

و کیفر و عقابی که برای دشمنم مهیا ساخته‌ای، (۱۲) در دلم به تصویر آر، و

وَعِقَابِكَ، ﴿١٢﴾ وَاجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقِنَاعَتِي

آن را وسیله‌ای برای خرسندی و رضایت من نسبت به آنچه که برایم مقدور

بِمَا قَضَيْتَ، وَثِقْتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ.

کرده‌ای، و اطمینان به آنچه که برایم انتخاب فرموده‌ای قرار ده.

﴿١٣﴾ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ

(۱۳) ای پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب کن؛ همانا تو دارای احسان

الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بزرگی و بر هر کاری توانایی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرِضَ،

دعای امام سجاد علیه السلام به وقت بیماری

أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ بَلِيَّةٌ

یا روی آوردن اندوه و بلا



﴿١﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ

(۱) خدایا! تو را سپاس بر تندرستی بدنم که پیوسته از

مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحْدَثَتْ

آن برخوردار بودم، و تو را سپاس بر بیماری و مرضی که

بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي؛ ﴿٢﴾ فَمَا أَدْرِي - يَا إِلَهِي -

در جسمم پدید آوردی. (۲) ای خدای من! کدام یک از این دو حال، برای

أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟ وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ

سپاس گزاری به درگاهت سزاوارتر، و کدام یک از این دو وقت، برای سپاس

أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؟ أَوْ قَتُّ الصِّحَّةِ الَّتِي هَتَّاتَنِي

و ثنا به پیشگاهت شایسته تر است؟ آیا زمان سلامت که روزیهای پاکیزه‌ات

فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَّطَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ

را در آن برایم گوارا فرمودی، و به سبب آن برای به دست آوردن خشنودی و

مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا

احسانت به من نشاط دادی، و مرا همراه آن، بر آنچه که از اطاعتت توفیق

وَقَفَّتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ؟ ﴿٣﴾ أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ

دادی، نیرو بخشیدی. (۳) یا هنگام بیماری که مرا به وسیله آن از ناخالصی‌ها

الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا، وَالنِّعَمَ الَّتِي اتَّحَفْتَنِي بِهَا،

خالص ساختی، و نعمت‌هایی که به من هدیه دادی، برای سبک کردن گناهانی

تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ،

که پشتم را گران و سنگین کرده و پاک کردن زشتی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام،

و تَطْهِيرًا لِمَا انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ،

و آگاهی دادن برای این که توبه را فراگیرم، و به یاد آوردن نعمت‌های قدیم،

و تَتَبِيهَا التَّنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذَكِيرًا لِمَا حَوَّاهُ الْحَوْبَةِ

برای محو کردن گناهان بزرگ از پرونده‌ام؟ (۴) و در اثنای آن بیماری، از جمله

بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ؟ ﴿٤﴾ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ، مَا كَتَبَ لِي

تحفه‌هایی که به من عنایت کردی این است که فرشتگان نویسنده به

الْكَاتِبِينَ مِنْ زَكِيِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فِكْرٌ

حساب من اعمال پاکیزه‌ای نوشتند؛ اعمالی که نه دلی در آن فکر کرده، و نه

فِيهِ، وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَلَا جَارِحَةٌ تَكَلَّفَتْهُ،

زبانی به آن گویا شده، و نه عضوی در انجامش رنج برده، بلکه بخششی از

بَلْ أَفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانًا مِنْ صَنِيْعِكَ إِلَيَّ.

جانب تو بر من و احسانی از ساخته تو به سوی من بود.

﴿٥﴾ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ حَبِّبْ

(۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و آنچه را برایم پسندیده‌ای



إِلَى مَا رَضَيْتَ لِي ، وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَلْتَ بِي ،

محبوب من ساز، و آنچه را بر من وارد کرده‌ای آسان کن، و از آلودگی و طهرنی من دَنَسِ ما اَسْلَفْتُ، و اَمَحْ عَنِّي شَرًّا

اعمال زشتی که در گذشته انجام داده‌ام پاکم فرما، و شر آنچه که پیش ما قَدَّمْتُ، و اَوْجِدْنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، و اَذِقْنِي

از این مرتکب شده‌ام، از صفحه وجودم محو کن، و از شیرینی عافیت بَرَدِ السَّلَامَةِ، و اَجْعَلْ مَخْرَجِي عَنِ عَلْتِي إِلَى

کامیابم ساز، و گوارایی تندرستی را به من بچشان، و راه بیرون رفتن از عَفْوِكَ، و مَتَحَوَّلِي عَنِ صَرَعْتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ،

بیماریم را به سوی بخشش و عفو و جابه‌جا شدنم را از بستر بیماری و خَلَاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ، و سَلَامَتِي مِنْ

به جانب گذشتت، و نجاتم را از اندوهم به عرصه رحمتت، و تندرستیم را هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرَجِكَ؛ ﴿٦﴾ إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ

از این دشواری به دایره گشایشت قرار ده، (٦) همانا تو تَفَضَّلُ كُنْتَهُ بِالْإِحْسَانِ ، الْمُتَطَوَّلُ بِالْإِمْتِنَانِ ، الْوَهَّابُ

به احسان و عطا کننده به نعمتی، بسیار بخشنده الْكَرِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و بزرگواری؛ دارای جلال و اکرامی.



﴿ ۱۶ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ ذُنُوبِهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در آمرزش خواهی از گناهان،

أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ عَنْ عُيُوبِهِ

و زاری در طلب عفو از عیوب

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُنْذِبُونَ،

(۱) خدایا! ای آن که گنهکاران از رحمتش یاری می‌طلبند،

وَيَا مَنْ إِلَى ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ، وَيَا

و ای آن که بیچارگان به جانب یاد احسانش پناه می‌برند، و ای آن که

مَنْ لِحَيْفَتِهِ يَتَّحِبُّ الْخَاطِئُونَ؛ ﴿۲﴾ يَا أُنْسَ كُلِّ

خطاکاران از بیم عذابش به شدت گریه می‌کنند! (۲) ای آرامش هر

مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ، وَيَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ

ناآرام غریب! ای گشایش هر اندوهگین دل

كَثِيبٍ، وَيَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ، وَيَا عَضُدَ

شکسته! ای کمک کننده هر خوار شده تنها! و ای یاری دهنده

كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ.

هر نیازمند رانده شده!

﴿۳﴾ أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا،

(۳) تویی که از جهت رحمت و دانش، همه چیز را فرا گرفته‌ای



وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ

و تویی که برای هر آفریده‌ای، سهم و نصیبی از نعمت‌هایت

سَهْمًا، وَأَنْتَ الَّذِي عَفَوَهُ أَعْلَىٰ مِنْ عِقَابِهِ،

قرار داده‌ای، و تویی که عفو و بخشش از عقابش برتر است،

وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَىٰ رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ، وَأَنْتَ

و تویی که رحمتش پیشاپیش غضبش حرکت می‌کند، و تویی که

الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ

عطا و بخشش، از منع کردنش بیشتر است، و تویی که همه آفریده‌ها را

الْخَلَاتِيقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا يَرْعَبُ

در سعه رحمتش فرا گرفته، و تویی که هر کسی را نعمت عطا کردی، از او

فِي جَزَاءٍ مَنْ أَعْطَاهُ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُفِرُّ

انتظار پاداش نداری، و تویی که در کیفر کسی که

فِي عِقَابٍ مَنْ عَصَاهُ؛ ﴿٤﴾ وَأَنَا - يَا إِلَهِي -

از تو نافرمانی کرده، از اندازه نمی‌گذری. (۴) و من ای خدای من!

عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالذُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّيْكَ

بنده توام؛ که او را به دعا دستور دادی؛ پس لبیک

وَسَعْدِيكَ؛ هَا أَنَا ذَا - يَا رَبِّ - مَطْرُوحٌ بَيْنَ

و سعدیک گفت. اینک منم ای پروردگارم! که انداخته شده در

يَدَيْكَ؛ ﴿٥﴾ أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ،

برابر توام؛ (۵) منم که خطاها پشتم را سنگین کرده؛



وَأَنَا الَّذِي أَفْنَتِ الدُّنُوبُ عُمُرَهُ، وَأَنَا الَّذِي

و منم که گناهان عمرم را نابود ساخته؛ و منم که به نادانیم، تو را نافرمانی

بِجَهْلِهِ عَصَاكَ، وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَلِكَ.

کردم، و تو شایسته این نبودی که من این گونه با تو معامله کنم.

﴿٦﴾ هَلْ أَنْتَ - يَا إِلَهِي - رَاحِمٌ مَن دَعَاكَ فَأُبْلِغُ

(٦) ای خدای من! آیا حضرتت به کسی که تو را بخواند، رحم می‌کند، تا در خواندن تو

فِي الدُّعَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِمَن بَكَكَ فَأَسْرِعَ فِي

اصرار ورزد؟ یا کسی که به درگاهت گریه و زاری کند می‌آمیزی تا در گریه شتاب کند؟

الْبُكَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ

یا گذشت می‌کنی از کسی که از باب فروتنی، صورت به خاک درگاهت سایید؟ یا کسی

تَذَلُّلاً؟ أَمْ أَنْتَ مُغْنٍ مَن شَكَا إِلَيْكَ فَقَرَهُ تَوَكُّلاً؟

که از باب توکل و اعتماد، از تهی دستی خودش به تو شکایت کند، بی‌نیاز می‌سازی؟

﴿٧﴾ إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَن لَا يَجِدُ مُعْطِيًا غَيْرَكَ،

(٧) ای خدای من! کسی را که جز تو عطا کننده‌ای نمی‌یابد، ناامید مکن و

وَلَا تُخَذِّلْ مَن لَا يَسْتَغْنِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ.

کسی را که از تو به احدی غیر تو بی‌نیاز نمی‌شود، خوار و بی‌پار رها مکن.

﴿٨﴾ إِلَهِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُعْرِضْ

(٨) خدای من! بر محمد و آلش درود فرست، در حالی که به تو روی

عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي وَقَدْ

آوردهام، از من روی مگردان و اکنون که به تو رغبت کرده‌ام، مرا از لطف و



رَغِبْتُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْهِنِي بِالرَّدِّ، وَقَدْ انْتَصَبْتُ
 رَحْمَتَ مَحْرُومٍ مَكْنٍ. اینک که در برابرت قرار گرفته‌ام، دست ردّ به سینهام
 بَيْنَ يَدَيْكَ.

مزن، و با من برخورد تلخ و بد نداشته باش؛

﴿۹﴾ أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ؛ فَصَلِّ

(۹) تویی که وجود مقدّست را به رحمت وصف کرده‌ای، بر محمّد و آلش

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْنِي، وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ

درود فرست، و به من رحم کن، و تویی که خود را خطابش نامیده‌ای؛

نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ، فَأَعْفُ عَنِّي؛ ﴿۱۰﴾ قَدْ تَرَى - يَا

بنابراین مرا ببخش (۱۰) ای خدای من! جریان اشکم را به خاطر ترسی که از تو

إِلَهِي - فَيُضِ دَمْعِي مِنْ خَيْفَتِكَ، وَوَجِيبَ

دارم، و لرزیدن دلم را محض خشیتی که نسبت به عظمت تو دارم، و حرکت و تکان

قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَانْتِقَاضَ جَوَارِحِي

اعضایم را در برابر بیمی که از تو دارم مشاهده می‌کنی. (۱۱) همه اینها محصول

مِنْ هَيْبَتِكَ؛ ﴿۱۱﴾ كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسَوْءِ

شرمساری من از حضرت توست؛ آنهم به خاطر اعمال زشتی که از من سرزده؛ به

عَمَلِي، وَلِلذَلِكَ خَمَدٌ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ،

همین سبب صدایم از این که به درگاهت به زاری بلند شود، خاموش شده و زبانم

وَكَلَّ لِسَانِي عَنِ مُنَاجَاتِكَ.

از راز و نیاز با تو باز مانده.



﴿۱۲﴾ يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ؛ فَكَمْ مِنْ عَابَةِ سَتَرَتَهَا

(۱۲) ای خدای من! تو را سپاس، چه بسیار عیوبی که بر من پوشانیدی، و مرا رسوا

عَلَىٰ فَلَمْ تَفْضَحْنِي! وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ

نکردی، و چه بسیار گناهی که مستور داشتی، و به آنم مشهور نساختی، و چه

فَلَمْ تَشْهَرْنِي! وَكَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلَمَّتْ بِهَا

بسیار خیانت و نیرنگ و امور هوسناکی که مرتکب شدم، ولی پرده آنها را به

فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا! وَلَمْ تُقَلِّدْنِي مَكْرُوهَ

خطر حفظ آبرویم ندریدی، و حلقه عار و ننگ آنها را به گردنم نیاویختی، و

شَنَارَهَا، وَلَمْ تُبَدِّسْ أَسْوَأَهَا، لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَائِبِي مِنْ

زشتی هایم را نزد همسایگانی که به دنبال عیوب من هستند، و حسودانی که

جِيرَتِي، وَحَسَدَةَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي، ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي

نعمت‌هایت را نزد من می‌بینند، آشکار نکردی. سپس این همه الطاف و عنایات

ذَلِكَ عَنِ أَنْ جَرَيْتُ إِلَىٰ سُوءِ مَا عَاهَدْتَنِي،

نسبت به من، مرا از گرایش به بدی‌هایی که از من سراغ داری باز نداشت.

﴿۱۳﴾ فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي - يَا إِلَهِي - بَرُّشِدِهِ؟! وَمَنْ

(۱۳) ای خدای من! نادان‌تر از من به صلاح کار خود کیست؟

أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ؟! وَمَنْ أَبْعَدُ مِنِّي

و غافل‌تر از من به نصیب و بهره‌اش کدام انسان است؟ و چه

مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ؟ حِينَ أَنْفَقُ مَا أَجْرَيْتَ

کسی از اصلاح وجودش، دور افتاده‌تر از من است، آنگاه که تمام



عَلَىٰ مِنْ رِزْقِكَ، فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؟!؛

نعمت‌هایی که به من می‌دهی، در گناهانی که مرا از آن نهی فرمودی

وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ، وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَىٰ

صرف می‌کنم؟! و چه کسی بیش از من در غرقاب باطل فرو رفته

السُّوءِ مِنِّي، حِينَ أَقْبُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ

و سخت‌تر از من اقدام به زشتی کرده، زمانی که میان دعوت تو،

الشَّيْطَانِ، فَاتَّبَعُ دَعْوَتَهُ عَلَيَّ غَيْرَ عَمَىٰ مِنِّي

و دعوت شیطان می‌ایستم، ولی از دعوت او پیروی می‌کنم،

فِي مَعْرِفَةٍ بِهِ، وَلَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ؟! ﴿۱۴﴾

با این که او را، به صورتی که باید می‌شناسم، و نسبت به وضع او فراموشی

وَأَنَا حِينِيذٍ مَوْقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَىٰ دَعْوَتِكَ إِلَىٰ

ندارم، (۱۴) و من در این موقعیت، یقین دارم که نهایت دعوت تو

الْجَنَّةِ، وَمُنْتَهَىٰ دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ.

به سوی بهشت، و عاقبت دعوت او به جانب جهنم است.

﴿۱۵﴾ سُبْحَانَكَ، مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَيَّ

(۱۵) پاک و منزهی تو؛ چه شگفت است که به زیان خود شهادت می‌دهم،

نَفْسِي! وَأَعِدُّهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي! وَأَعْجَبُ مِنْ

و امور پنهان خود را شماره می‌کنم، و شگفت‌تر از آن بردباریت نسبت به

ذَلِكَ أَنَا تَكَ عَنِّي، وَإِبْطَاؤُكَ عَن مِعْجَلَتِي!

من، و درنگت از مؤاخذه سریع این بنده گنهکار است. سببش این نیست که



وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ؛ ﴿١٦﴾ بَلْ تَأْتِيَا

من در آستان حضرتت انسانی گران قدم: (۱۶) بلکه علتش، مدارایت با من

مِنْكَ لِي، وَ تَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ، لِأَنَّ أَرْتَدِعَ عَنِ

و تفضل وجود مقدست بر من است، برای این که از نافرمانیت که موجب

مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةَ، وَأُقْلِعَ عَنِ سَيِّئَاتِي

خشم توست باز ایستم، و وجودم را از عرصه گناهانی که فرسوده کننده

الْمُخْلِقَةِ، وَلِأَنَّ عَفْوَكُ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ

هویت و شخصیت من است درآوردم؛ به خاطر این که گذشتت نسبت به

عُقُوبَتِي؛ ﴿١٧﴾ بَلْ أَنَا- يَا إِلَهِي- أَكْثَرُ ذُنُوبًا،

من نزد تو، از مجازات کردن من محبوب تر است، (۱۷) وگرنه ای خدای من،

وَأَقْبَحُ آثَارًا، وَأَشْنَعُ أَعْمَالًا، وَأَشَدُّ فِي

گناهانم فراوان تر و آثارم زشت تر و کردارم ناپسندتر و گستاخیم در

الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا، وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ

باطل شدیدتر، و بیداریم نزد طاعتت ضعیف تر،

تَيْقُظًا، وَأَقْلُّ لَوْعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَارْتِقَابًا، مِنْ

و هشیاری و مراقبتم در برابر تهدیدت، ناچیزتر از آن است که

أَنْ أَحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي.

بتوانم عیوبم را برایت شماره کنم، یا توان ذکر کردن گناهانم را داشته باشم.

﴿١٨﴾ وَإِنَّمَا أُوْبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي، طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ

(۱۸) جز این است که خود را به این صورت نکوهش می‌کنم، در حالی



الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ، وَرَجَاءُ لِرَحْمَتِكَ
که به مهربانی بیش از اندازه‌ات که صلاح کار گناهکاران به آن است، چشم
الَّتِي بِهَا فَكَاكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ.

طمع دارم، و به رحمتت که آزادی خطاکاران، در گروی آن است امیدوارم.

﴿١٩﴾ اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ؛

(۱۹) خدایا! این وجود من است که گناهان او را به بند بردگی کشیده؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ،

پس بر محمد و آلش درود فرست، و وجودم را به عفو تو از بند بردگی

وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا؛ فَصَلِّ عَلَيَّ

گناهان آزاد کن، و این پشت من است که خطاها آن را گران و سنگین

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ.

کرده؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و به احسانت آن را سبک فرما

﴿٢٠﴾ يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ

(۲۰) ای خدای من! اگر به درگاهت گریه کنم تا جایی که پلک‌های دو

عَيْنِي، وَانْتَحَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي، وَقُمْتُ لَكَ

چشمم روی هم افتد، و چنان به شدت ناله زنم تا صدایم قطع شود، و

حَتَّى تَنْتَشِرَ قَدَمَايَ، وَرَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ

چندان به پیشگاهت بایستم که پایم ورم کند، و آن مقدار برای تو رکوع

صُلْبِي، وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ،

کنم که استخوان‌های پشتم از جا کنده شده و زدوده گردد، و به اندازه‌ای



وَأَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طَوَّلَ عُمُرِي، وَشَرِبْتُ

سجده کنم که چشم‌هایم از کاسه درآید، و در طول عمرم خاک زمین را

مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي، وَذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ

بخورم، و تا پایان حیاتم آب آلوده به خاکستر بنوشم، و در اثنای

ذَلِكَ، حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى

این اوضاع و احوال، چندان ذکر تو گویم که زبانم از کار بماند،

أَفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ، مَا اسْتَوْجَبْتُ

آنگاه از روی شرمساری از تو، چشم به آفاق آسمان باز نکنم،

بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي؛ ﴿۳۱﴾

با این همه سزاوار محو یک گناه از تمام گناهانم نیستم. (۲۱)

وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ،

و اگر زمانی که سزاوار آمرزش شوم، مرا بیامرزی، و هنگامی که مستحق

وَتَغْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ

عفو تو گردم، مرا عفو کنی؛ همانا این آمرزش و عفو، به خاطر

غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ، وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ

استحقاق من نسبت به من واجب نیست، و من مستحق وجوب آمرزش

بِاسْتِجَابٍ، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ، فِي أَوَّلِ مَا

و عفو نیستم؛ زیرا پاداش من از جانب تو، در اولین باری که مرتکب

عَصَيْتُكَ النَّارَ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي.

معصیتت شدم آتش بود، بنابراین اگر مرا عذاب کنی، ستمکار بر من نیستی.



﴿۲۲﴾ اِلٰهِيْ فَاِذْ قَدْ تَغَمَّدَتْنِيْ بِسِتْرِكَ

(۲۲) خدای من! اکنون که مرا به پرده پوشیت در پوشیده‌ای

فَلَمْ تَفْضَحْنِيْ، وَتَأْنَيْتَنِيْ بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِيْ،

و رسوایم نکردی، و به کرمت با من مدارا کرده، و به کیفرم شتاب نورزیدی

وَ حَلَمْتَ عَنِّيْ بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ،

و به احسانت از من گذشتی و نعمتت را نسبت به من تغییر ندادی

وَ لَمْ تُكْذِرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِيْ، فَارْحَمْ طَوْلَ

و نزد من نیکی و خوویت را تیره و تار نکردی، پس بر طول

تَضْرُعِيْ، وَ شِدَّةِ مَسْكَنتِيْ، وَ سَوْءِ مَوْقِفِيْ.

زاریم، و سختی بیچارگیم و بدی جایگاهم رحمت آر.

﴿۲۳﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ قِنِيْ مِنْ

(۲۳) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا از

الْمَعَاصِيْ، وَ اسْتَعْمِلْنِيْ بِالطَّاعَةِ، وَ ارْزُقْنِيْ

گناهان حفظ کن، و به طاعت و فرمانبرداری از خود به کار گیر،

حُسْنَ الْاِنَابَةِ، وَ طَهِّرْنِيْ بِالتَّوْبَةِ، وَ اَيِّدْنِيْ

و نیکی بازگشت را روزیم فرما، و به توبه پاکم کن، و به دوری از گناه،

بِالْعِصْمَةِ، وَ اسْتَصْلِحْنِيْ بِالْعَافِيَةِ، وَ اَذِقْنِيْ

یاریم ده، و به سلامت همه جانبه، زندگیم را اصلاح کن

حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَ اجْعَلْنِيْ طَلِيْقَ عَفْوِكَ،

و شیرینی آمرزش را به من بچشان، و مرا رها شده عفو



وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ، وَاکْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ،

و آزاد شده رحمت قرار ده و از خشم خود خط امانم بده،

وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ،

و هم اکنون نه در آینده، به مؤده آن خوشحالم فرما،

بُشْرَى أَعْرِفُهَا، وَعَرَّفْنِي فِيهِ عِلَامَةً أَتَّبِعُنَهَا؛

مؤده ای که آن را بشناسم، و به نشانه‌ای که، آن را آشکارا بینم،

﴿٢٤﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ،

(۲۴) آگاهم کن که این کار در عرصه‌گاه سعه رحمتت، بر تو دشوار نیست،

وَلَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يَتَّصَعَّدُكَ

و تو را در میدان قدرتت به مشقت نمی‌اندازد، و در حوزه بردباریت، تو

فِي أَنْاتِكَ، وَلَا يُوَوِّدُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ، الَّتِي

را دچار سختی نمی‌کند، و در فضای بخشش‌های فراوانت که آیاتت بر آنها

دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ؛ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ

گواه است، تو را در فشار و تنگنا قرار نمی‌دهد. همانا هر چه بخواهی انجام

مَا تُرِيدُ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

می‌دهی و هر چه را اراده فرمایی حکم می‌کنی، مسلماً بر هر کاری توانایی.



﴿ ۱۷ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ،

دعای امام سجاد علیه السلام به هنگامی که از شیطان یاد می‌شد،

فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ، وَمِنْ عَدَاوَتِهِ وَكَيِّدِهِ

و از دشمنی و مکر او به خدا پناه می‌برد

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ

(۱) خدایا! به تو پناه می‌برم از فتنه‌انگیزی‌های شیطان

الرَّجِيمِ، وَكَيِّدِهِ وَمَكَايِدِهِ، وَمِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ

رانده شده، و از نیرنگ و مکرهایش، و از اطمینان به دروغ‌ها

وَمَوَاعِيدِهِ، وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ، وَأَنْ يُطْمَعَ

و وعده‌ها و فریب‌کاری و دام‌هایش، و این که خود را در

نَفْسِهِ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَامْتِهَانِنَا

گمراه کردن ما از راه بندگی، و خوار کردنمان بر اثر معصیت، به طمع اندازه

بِمَعَصِيَتِكَ، أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَّنَ

یا نزد ما نیکو شود زشتی‌هایی که او در نظر ما نیکو جلوه می‌دهد، یا گران

لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرِهَهُ الْإِنْسَانُ.

و سخت شود، خوبی‌هایی که او در نظر ما زشت نشان می‌دهد.

﴿ ۲ ﴾ اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَآكِبْهُ بِدُؤْبِنَا

(۲) خدایا! به عبادت و بندگی ما، او را از عرصه‌گاه زندگیمان دور کن و به



فِي مَحَبَّتِكَ، وَاجْعَل بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا
سبب جدیت و تلاشمان در راه محبت، او را ذلیل و خوار گردان، و بین ما و
لَا يَهْتِكُهُ، وَرَدَمًا مُصِمًّا لَا يَفْتُقُهُ.

او پرده‌ای قرار ده که آن را ندرد، و حجابی ضخیم برقرار کن که آن را نشکافد.

(۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْهُ

(۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و شیطان را با سرگرم شدن به

عَنَّا بَعْضِ أَعْدَائِكَ، وَاعْصِمْنَا مِنْهُ بِحَسَنِ

برخی دشمنانت از ما منصرف کن و ما را به رعایت نیکویت از او حفظ

رِعَايَتِكَ، وَاكْفِنَا خَيْرَهُ، وَوَلِّنا ظَهْرَهُ،

فرما، و از خیانت و نیرنگش کفایت کن و رویش را از ما برگردان، و ردّ پایش

وَاقْطَعْ عَنَّا اثرَهُ.

را از ما قطع کن.

(۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتِعْنَا مِنْ

(۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از هدایتی که در دوام

الهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَزَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى،

و پابرجایی مانند گمراهی او باشد، بهره‌مند ساز، و ما را در برابر بی‌راهی

ضِدِّ غَوَايَتِهِ، وَاسْأَلْ بِنَا مِنَ التَّقَى خِلَافَ

او، توشه تقوا کرامت فرما، و خلاف راه هلاکت بار او، ما را به مسیر تقوا

سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى.

رهنمون باش.



﴿۵﴾ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا،

(۵) خدایا! برای او در دل‌های ما راه وارد شدن قرار مده، و در شئون زندگی

و لا توطِّنْ لَهُ فِي مَا لَدَيْنَا مَنْزِلًا.

ما برای او جایگاه اقامت فراهم نکن.

﴿۶﴾ اللَّهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ،

(۶) خدایا! ما را به آنچه که از باطل در نظرمان بیاراید، آگاه ساز، و چون

وَإِذَا عَرَّفْتَنَاهُ فِقْنَاهُ، وَبَصِّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ،

آگاهمان کردی، از آن نگاهمان دار و ما را به زمینه‌های چاره‌جویی در برابر

وَأَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ، وَآيِقْظُنَا عَنْ سِنَةِ الْغَفْلَةِ

او بینا گردان، و آنچه را که باید علیه او آماده کنیم، به ما الهام کن، و ما را

بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ، وَأَحْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنًا عَلَيْهِ.

از خواب غفلتی که سبب گرایش به اوست بیدار فرما، و یاری دادن ما را

﴿۷﴾ اللَّهُمَّ وَأَشْرِبْ قُلُوبَنَا انْكَارَ عَمَلِهِ، وَالطَّفْ

در جنگ با او، به توفیقت نیکوگردان. (۷) خدایا! دل‌های ما را از رد کردن

لَنَا فِي نَقْضِ حِيلِهِ.

و انکار عملش سرشار ساز، و به ما برای درهم شکستن حيله‌اش لطف فرما.

﴿۸﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَوْلِ

(۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و سلطه و تسلط شیطان را از ما

سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَادْرَأَهُ عَنِ

بگردان، و امیدش را از ما قطع کن، و او را از حرص ورزیدن به گمراهی



الْوُلُوعُ بِنَا.

ما دفع فرما.

﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(٩) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا، وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهْلِيْنَا، وَ ذَوِي

و پدران و مادران و فرزندان و اهل ما

أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا، وَ جِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و خویشان و نزدیکان و همسایگانم از مردان مؤمن،

وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ، فِي حِرْزِ حَارِزٍ، وَ حِصْنِ

و زنان مؤمنه را از وجود خطرناکی چون شیطان در جایگاهی محکم، و دژی

حَافِظٍ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ، وَ أَلْبَسَهُمْ مِنْهُ جُنَّةً

حفظ کننده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده و آنان را برای دفع زیان او،

وَاقِيَةً، وَ أَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً.

زره‌های نگاه دارنده بپوشان و اسلحه‌های برنده بر ضد او عطا کن.

﴿١٠﴾ اللَّهُمَّ وَ أَعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ،

(١٠) خدایا! مشمول این دعا قرار ده کسی را که به پروردگاریت گواهی

وَ أَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَ عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ

می‌دهد، و به وحدانیتت اخلاص می‌ورزد، و به حقیقت بندگیت با

الْعُبُودِيَّةِ، وَ اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ

شیطان دشمنی می‌کند، و از تو برای شناخت علوم ربّانی، علیه او یاری



الْعُلُومُ الرَّبَّانِيَّةِ.

جوید.

﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ احْلِلْ مَا عَقَدَ، وَافْتَقِ مَا رَتَقَ،

(۱۱) خدایا! آنچه را گره زده بگشای، و هر راهی که باز کرده ببند، و هر تدبیری که اندیشیده

وَافْسَخْ مَا دَبَّرَ، وَثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ، وَانْقُضْ مَا أَبْرَمَ.

به هم زن، و از هر کاری که قصد کرده بازش دار، و هر چه را محکم کرده سست کن.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ وَاهِزِمْ جُنْدَهُ، وَابْطِلْ كَيْدَهُ،

(۱۲) خدایا! لشکرش را شکست ده، و نیرنگش را باطل ساز، و پناهگاهش را

وَاهِدِمْ كَهْفَهُ، وَارْغِمْ أَنْفَهُ.

ویران کن، و بینی‌اش را به خاک مال.

﴿۱۳﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَاعْزِلْنَا

(۱۳) خدایا! ما را در سلك دشمنانش قرار ده، و از شمار دوستانش برکنار

عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا نَطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا،

کن تا چون ما را بفریبد از او پیروی نکنیم، و هر گاه ما را بخواند، جوابش

وَلَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا، نَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ

ندهیم، و هر که را پیروی دستور ماست به دشمنی با او دستور دهیم.

أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَنِعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ، مَنْ اتَّبَعَ زَجْرَنَا.

و هرکه را پیروی نهی ماست، برای بازداشتن از اطاعت او پند دهیم.

﴿۱۴﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ،

(۱۴) خدایا! بر محمد خاتم انبیا



وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ

و سید رسولان، درود فرست و بر اهل پاک

الطَّاهِرِينَ، وَأَعِدْنَا وَأَهْلِيْنَا، وَإِخْوَانَنَا،

و پاکیزه او، و ما و اهل ما و برادران ما

وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، مِمَّا اسْتَعَدْنَا

و تمام مؤمنان و مؤمنات را از آنچه از آن پناه می‌جوییم پناه ده،

مِنْهُ، وَاجْرِنَا مِمَّا اسْتَجْرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ، ﴿۱۵﴾

و از آنچه از بیم آن، از تو ایمنی می‌خواهیم امان بخش، (۱۵)

وَاسْمِعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ، وَاعْطِنَا مَا أَغْفَلْنَا،

ودعای ما را نسبت به آنچه دعای می‌کنیم بشنو، و آنچه را از درخواستش غفلت می‌کنیم،

وَاحْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَا، وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي

به ما عطا فرما، و آنچه را فراموش کردیم برای ما حفظ کن، و ما را به سبب آن به

دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ، وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ.

درجات شایستگان و رتبه‌های اهل ایمان انتقال ده. دعاها را مستجاب کن.

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ مَا يَحْذَرُ،

دعای امام سجاد علیه السلام به وقتی که خطری از او می‌گذشت،

أَوْ حُجِّلَ لَهُ مَطْلَبُهُ

و یا حاجت او زودتر برآورده می‌شد



﴿۱﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ، وَبِمَا

(۱) خدایا! تو را سپاس بر سرنوشت خوبی که مقدر می‌کنی، و بر بلا و مصیبت

صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ، فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ

که از من می‌گردانی؛ پس بهره‌ام را از رحمتت، در این عافیتی که در زندگی دنیا

رَحْمَتِكَ مَا مَجَّلْتَ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ، فَأَكُونَ قَدْ

به من عنایت کرده‌ای منحصر مکن؛ که در نتیجه به سبب آنچه که دوست

شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ، وَسَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ؛

دارم بدبخت شوم، و دیگری به خاطر آنچه که خوش ندارم، خوشبخت شود،

﴿۲﴾ وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ، أَوْ بُتُّ فِيهِ مِنْ

(۲) و اگر عافیتی که روز را در آن به شب می‌رسانم، یا شب را در آن به روز می‌رسانم،

هَذِهِ الْعَافِيَةِ، بَيْنَ يَدَيَّ، بَلَاءٌ لَا يَنْقَطِعُ، وَوَزِيرٌ

مقدمه بلایی است که قطع نمی‌شود، و پیشاپیش بار سنگینی است که بر طرف

لَا يَرْتَفِعُ، فَقَدِّمْ لِي مَا آخَرْتِ، وَآخِرٌ

نمی‌گردد، پس آنچه را برایم به تأخیر انداخته‌ای، پیش انداز، و آنچه را پیش انداخته‌ای

عَنِّي مَا قَدَّمْتُ، ﴿٣﴾ فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ،

به تأخیر افکن؛ (۳) زیرا چیزی که پایانش فنا و نابودی است، بسیار فراوان به حساب

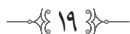
وَغَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

نمی‌آید و آنچه عاقبتش بقا و همیشگی است، اندک و کم نمی‌باشد، و بر محمد و

وَالِهِ.

آتش درود فرست.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْإِسْتِسْقَاءِ بَعْدَ الْجَدْبِ

دعای امام سجاد علیه السلام به وقت طلب باران پس از خشکسالی

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ

(۱) خدایا! برای ما باران فرست، و رحمت را به باران پُر آب و فراوان

بَغِيثِكَ الْمُغْدِقِ، مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ
بر ما بگستران؛ از ابری که برای گیاه زیبای زمینت، در تمام ناحیه‌ها و

أَرْضِكَ، الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ، وَامْنِ

اطراف سوق داده شده. و بر بندگانت با به بار آمدن و رسیدن

عَلَى عِبَادِكَ بَيْنَاعِ الثَّمَرَةِ، وَأَحْيِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ

میوه منت گذار، و سرزمین‌های مردهات را با شکفتن شکوفه‌ها

الزَّهْرَةِ، ﴿۲﴾ وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ

زنده کن، (۲) و فرشتگان بزرگوار نویسندگان را با فرستادن بارانی سودمند

السَّفَرَةَ، بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غَزْرُهُ، وَاسِعٍ

و پیوسته، از جانب خودت گواه گیر؛ بارانی که فراوانی و انبوهش وسیع، و

دِرْرُهُ، وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ، يُحْيِي بِهِ مَاقَدِمَاتِ،

باریدنش بسیار تند و آمدنش سریع و زود باشد تا به آن باران، هر چه

وَ تَرُدُّ بِهِ مَاقَدِمَاتِ، وَ تُخْرِجُ بِهِ مَاهُوتَاتِ،

از زمین و گیاه مرده است، زنده کنی، و به سبب آن از دست رفته‌ها را



وَتَوْسَعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتْرَاكِمًا،
 بازگردانی، و آنچه از دل زمین آمدنی است، بیرون آری، و از برکت آن باران،
 هَنِيئًا مَرِيئًا، طَبَقًا مُجَلَجَلًا، غَيْرَ مِلْثٍ وَدَقَّةٍ،
 روزی‌ها را وسعت بخشی، از ابری انباشته، لذت بخش، گوارا، فراگیر و غران
 وَلَا خَلْبَ بَرَقَةٍ.

که بارانش اندک نباشد، و برقش نفریبد.

﴿۳﴾ اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا، مَرِيعًا مُرِعًا،

(۳) خدایا! برای ما بارانی فریادرس و برطرف کننده قحطی فرست؛ بارانی رویاننده گیاه، و سرسبز

عَرِيضًا وَاسِعًا غَزِيرًا، تَرُدُّ بِهِ النَّهِيضَ، وَتَجْبِرُ
 کننده دشت و دمن، و بارانی وسیع و فراوان که به وسیله آن گیاه از رشد ایستاده را به عرصه رشد
 بِهِ الْمَهِيضَ.

و نموبازگردانی و در سایه آن، مردگی و خشکی زمینی که علف و گیاهش از بین رفته جبران کنی.

﴿۴﴾ اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظُّرَابَ،

(۴) خدایا! ما را بارانی فرست که به وسیله آن از تپه‌ها آب سرازیر فرمایی،

وَتَمَلَأْ مِنْهُ الْجِبَابَ، وَتَفَجِّرْ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَتَنْبِتُ
 و چاه‌ها از آن پر کنی، و نهرها را روان سازی، و درختان را برویانی،

بِهِ الْأَشْجَارَ، وَتُرَخِّصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ
 و قیمت‌ها را در تمام شهرها ارزان کنی، و چهارپایان و مخلوقات

الْأَمْصَارَ، وَتَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَالْخَلْقَ، وَتُكْمِلُ
 را نشاط و قوت دهی، و روزی‌های پاکیزه را برای ما کامل کنی،



لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَتُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ، وَتُدْرِئُ
و زراعت را برویانی، و پستانها را پر شیر سازی،
بِهِ الضَّرْعَ، وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا.

و نیرو به نیروی ما بیفزایی.

(۵) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا،

(۵) خدایا! سایه ابر را بر ما باد گرم و زهراگین مساز،

وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا، وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ

و سردی آن را بر ما شوم و نحس مکن، و بارانش را

عَلَيْنَا رُجُومًا، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أَجَاغًا.

بر ما عذاب قرار مده، و آبش را برای ما تلخ و شور مگردان.

(۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

(۶) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

وَارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛

و ما را از برکت آسمانها و زمین روزی بخش؛

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همانا تو بر هر کاری توانایی.



﴿ ۲۰ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در مکارم اخلاق

وَمَرْضَى الْأَفْعَالِ

و اعمال پسندیده

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بَايَمَانِي

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ایمانم را به

اکمّل الایمان، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ،

کاملترین ایمان رسان و یقینم را برترین یقین قرار ده.

وَ أَنْتَ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى

خداوند! نیتم را به بهترین نیتها و عملم را به

أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ.

بهترین اعمال برسان.

﴿۲﴾ اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِطُفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ بِمَا

(۲) خدایا! نیتم را به لطف کامل گردان و یقینم را به رحمتت در

عِنْدَكَ يَقِينِي، وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ

گردونه صحت و سلامت قرار ده و فسادم را به قدرتت اصلاح کن.

مِنِّي. ﴿۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

(۳) خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست،



وَ أَكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامُ بِهِ، وَ اسْتَعْمَلِنِي

و مرا از آنچه توجه به آن دچار سرگرمی و مشغولیت می کند، کفایت کن، و در امور

بِمَا تَسَأَلُنِي غَدًا عَنْهُ، وَ اسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيَمَا

به کار گیر که فردای قیامت در ارتباط با آن از من بازپرسی می کنی، و روزگارم را در اهدافی که

خَلَقْتَنِي لَهُ، وَ أَغْنِنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ؛

مرا به خاطر آن به وجود آوردی مصروف دار. و مرا توانگر کن و روزیت را بر من وسعت ده،

﴿٤﴾ وَ لَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ (بِالْبَطْرِ) وَ اعِزَّنِي،

(٤) و مرا به چشم داشت نسبت به آنچه در دست این و آن است مبتلا مکن، و

وَ لَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبَرِ وَ عِبْدِنِي لَكَ، وَ لَا تُفْسِدْ

ارجمندم ساز. و مرا به سرکشی و گردن کشی، گرفتار مساز، و بر مدار بندگیت قرار

عِبَادَتِي بِالْعَجَبِ، وَ اجْرِلْ لِلنَّاسِ عَلَيَّ يَدِي الْخَيْرِ،

ده، و عبادتم را به خودپسندی تباه مکن، و خیر و نیکی را به دست من برای تمام

وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ؛ وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ،

مردم جاری ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مکن، و اخلاق شریفه و بلند

وَ اعِصْمِنِي مِنَ الْفَخْرِ.

مرتبه به من ببخش و از فخرفروشی نگاهم دار.

﴿٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَرَفَعْنِي

(٥) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا درجه و مرتبه ای

فِي النَّاسِ دَرَجَةً، إِلَّا حَطَّطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي

نزد مردم بلند مکن، مگر آن که به همان اندازه نزد خودم پست



مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا، إِلَّا أَحَدَثْتَ
گردانی، و عزت آشکاری برابم ایجاد مکن، مگر آن که به همان اندازه،
لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا.

خواری باطنی برابم ایجاد کنی.

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَتَّعِنِي

(٦) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا به هدایتی شایسته

بِهَدْيٍ صَالِحٍ لَا أَسْتَبِدُّ بِهِ، وَطَرِيقَةٍ حَقِّ

بهرمند ساز که آن را با روشی دیگر عوض نکنم، و راه حقی نصیصم کن که

لَا أَزِيعُ عَنْهَا، وَنِيَّةٍ رُشِدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا، وَعَمِّرْ نِي

از آن منحرف نشوم، و نیت استواری به من عنایت کن که در آن شک نورزم.

مَا كَانَ عُمُرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ

و مرا زنده دار، مادامی که عمرم در طاعت تو به کار رود، و هنگامی که

عُمُرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ، قَبْلَ أَنْ

عمرم بخواهد چراگاه شیطان شود، جانم را بستان پیش از آن که دشمنی

يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ.

و نفرتت بر من پیشی گیرد، یا خشمت نسبت به من محکم و استوار شود.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تَعَابٍ مِنِّي إِلَّا

(٧) خدایا! خصلت قابل سرزنشی را در وجود من مگذار، جز این که اصلاحش

أَصْلَحَتْهَا، وَلَا عَابَةَ أُوْنِبُ بِهَا إِلَّا حَسَنْتَهَا،

کنی، و عیب قابل ملامتی را در عرصه گاه حیاتم رها مکن، جز این که



وَلَا أُكْرِمُهُ فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتُهَا.

نیکویش گردانی، و کرامتی را در من ناقص مگذار، جز این که کاملش فرمایم.

(۸) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

(۸) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و این خصلت‌هایی

وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ،

که می‌شمارم، به نفع من تغییر ده: شدت کینه دشمنان را به محبت،

وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ

و حسد متجاوزان را به مودت، و بدگمانی و تهمت اهل صلاح را

الصَّلَاحِ الثِّقَّةَ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيْنَ الْوَلَايَةَ،

به اطمینان، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و مخالفت

وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةَ، وَمِنْ

خویشان را به خوش رفتاری، و تنها و بیار گذاشت

خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ

نزدیکان را به یاری، و دوستی فریبکاران را به درست شدن

تَصْحِيحِ الْمَقَّةِ، وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ،

دوستی، و رد کردن همنشینان را به رفتاری کریمانه،

وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةِ الْأَمْنَةِ.

و تلخی ترس از ستمکاران را به شیرینی امنیت.

(۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا بر کسی که به من ستم می‌کند غالب



لِي يَدَا عَلِيٍّ مَن ظَلَمَنِي ، وَ لِسَانًا عَلِيٍّ مَن

و چیره، و بر ضد کسی که با من به مجادله برمی‌خیزد زبان گویند، و بر کسی که با من

خاصم می‌ورزد، پیروز قرار ده، و علیه کسی که نیرنگم می‌زند، چاره جویی بخش، و

دشمنی می‌ورزد، پیروز قرار ده، و علیه کسی که نیرنگم می‌زند، چاره جویی بخش، و

مَكْرًا عَلِيٍّ مَن كَايَدَنِي ، وَ قُدْرَةً عَلِيٍّ مَن

در برابر کسی که به من ستم می‌کند قدرت عنایت فرما، و علیه کسی که به من دشنام

اضطهَدَنِي ، وَ تَكْذِيبًا لِمَن قَصَبَنِي ، وَ سَلَامَةً

می‌دهد و غیبت می‌کند، توان تکذیب مرحمت فرما، و از دست کسی که مرا تهدید

مِمَّن تَوَعَّدَنِي ؛ وَ وَفَّقَنِي لِبَطَاعَةِ مَن سَدَّدَنِي ،

می‌کند به سلامت دار، و از آن که مرا به راه صواب می‌برد، توفیق فرمانبری ده، و از آن

وَمُتَابَعَةِ مَن أَرْشَدَنِي .

که مرا به راه راست هدایت می‌کند، توفیق پیروی عنایت کن.

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدِّدَنِي

(۱۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به این اموری که از تو می‌خواهم پایدار و

لِأَنَّ أَعَارِضَ مَن غَشَّيَنِي بِالنُّصْحِ ، وَ أَجْزَى مَن

استوار دار؛ ایستادن در برابر کسی که به من خیانت کرده با سلاح نصیحت، پاداش دادن به

هَجَرَنِي بِالْبِرِّ ، وَ أَثِيبَ مَن حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ ،

کسی که از من دوری بسته با نیکی، جزا دادن به کسی که مرا از عطایش محروم ساخته،

وَ أَكْفَأِي مَن قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ ، وَ أَخَالَفَ

با بخشش، تلافی کردن نسبت به کسی که با من قطع رابطه کرده، باصله و پیوند، مخالفت



مَنْ اغْتَابَنِي اِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ اَنْ اَشْكُرَ

ورزیدن با کسی که از من غیبت کرده، با نیکو یاد کردن از او، به جا آوردن سپاس،

الْحَسَنَةَ، وَ اَغْضَى عَنِ السَّيِّئَةِ.

در برابر خوبی و چشم پوشی از بدی.

(۱۱) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ حَلِّئِي

(۱۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا

بِحِلْيَةِ الصّٰلِحِيْنَ، وَ الْبِسْنِي زِيْنَةَ الْمُتَّقِيْنَ: فِي

به زیور شایستگان بیارای، و زینت پرهیزکاران را به من بپوشان که زیور و زینت

بَسَطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغِيْظِ، وَ اِطْفَاءِ النَّارِئَةِ،

شایستگان و پرهیزکاران در این امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم،

وَ ضَمِّ اَهْلِ الْفِرْقَةِ، وَ اِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ،

خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکنده شدگان، اصلاح بین مردم،

وَ اِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِيْنَ الْعَرِيْكَهٖ،

آشکار کردن کارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسانها، نرم خوئی،

وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سُوْكَوْنِ

فروتنی، خوش رفتاری، آرامش،

الرِّيْحِ، وَ طَيِّبِ الْمُخَالَقَةِ، وَ السَّبْقِ اِلَى

وقار، خوش اخلاقی، پیشی گرفتن به سوی

الْفَضِيْلَةِ، وَ اِيْثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّعْيِيْرِ،

فضیلت، انتخاب نیکو و احسان، ترك سرزنش،

